

مژده به مخاطبان خبرگزاری بین المللی افق

پس از این آخرین خبرهای افغانستان، منطقه و جهان را بدون نیاز به انترنت، فقط در بدل ۴ افغانی در تلفن‌های همراه تان دریافت کنید. برای عضویت، ۲۰ را به ۳۰۰۰ ارسال نمایید. در پایان هر سه ماه، به مشترکین گرامی به قید قرعه جوایز نفیسی اهدا خواهد شد.

شماره تماس: ۰۷۴۴۰۹۰۰۰۰ www.ufugnews.com



لب دریاوکابل

حمزه واعظی (۳)

جوانان؛ رویکرد رسانه‌ای، هویت و قدرت

تعدد و تنوع رسانه‌ها نخستین موضوعی است که با ورود به کابل به چشم هر تازه‌واردی می‌آید. وجود ده‌ها ایستگاه رادیویی، تلویزیونی و جراید و روزنامه‌های نوشتاری نشان از یک رویکرد جدی، گسترده و پرچم نسبت به پدیده‌ی رسانه طی یک‌دهه‌ی اخیر دارد. این رویکرد فزاینده، از تکوین و ظهور چند نوع تحول در عرصه‌ی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه علامت می‌دهد که در عناصر و گزاره‌های ذیل قابل ردیابی می‌باشند:

۱. رشد تدریجی آگاهی اجتماعی، سواد و سطح آموزش در افغانستان، به‌ویژه در کلان‌شهرها؛
 ۲. به میدان آمدن نیروهای فرهنگی تازه با دغدغه‌های متفاوت و سطح خواسته‌ها و ظرفیت فکری متنوع؛
 ۳. پدید آمدن فضای مساعد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای فعالیت‌های مدنی-رسانه‌ای
 ۴. حمایت معنوی، آموزشی و مالی منابع بین‌المللی از فعالیت‌های رسانه‌ای؛
 ۵. شکل‌گیری فضای نسبتاً باز سیاسی و دموکراتیک برای آزادی بیان
- رشد و تکثیر این رسانه‌ها را شاید بتوان با هدف جذب و جلب منابع مالی و عمدتاً با انگیزه‌ی انتجویی محاسبه نمود؛ اما کارکرد، تأثیرگذاری و الگوی فرهنگی-ذهنی ناشی از عملکرد آن‌ها در جامعه نسبتاً مهم، تحول‌آفرین و آگاهی‌بخش بوده است. این رسانه‌ها با آن‌که اغلب آماتور، فاقد آموزش حرفه‌ای و نامجهز به روش و اصول حرفه‌ای بوده‌اند؛ اما به تدریج طی بیش از یک‌دهه به منابع مهم اطلاع‌رسانی و مراجع آگاهی‌بخشی تبدیل شده‌اند که مخاطبان قابل توجهی پیدا نموده‌اند.

به نظر می‌رسد کارکرد و دست‌آورد‌های این رسانه‌ها در چند محور قابل سنجش و نشانه‌گذاری باشد:

۱. کمک به رشد آزادی بیان؛
۲. مساعدت در ترویج فضای نقد و گفتمان سیاسی؛
۳. کمک به نظارت و کنترل اعمال زورمندان و بیان و اطلاع‌رسانی عمومی از فساد و ظلم و زورگویی منابع غیرمجاز قدرت؛
۴. اطلاع‌رسانی در مورد بسیاری از پدیده‌هایی که پیش از این تابوی اجتماعی به شمار می‌آمدند؛ مانند تجاوز ناموسی، خشونت خانوادگی، تجاوز به محارم، تجاوز به کودکان و سایر مفاسد اخلاقی-اجتماعی؛
۵. عمومی ساختن بحث زنان و حقوق و گفتمان ممنوعه‌ی مربوط به جنسیت و جایگاه فراموش‌شده‌ی این گروه انسانی؛
۶. ترویج و همگانی ساختن مباحث تازه‌ای مانند حقوق شهروندی، برابری اجتماعی، بحران‌های قومی، معضلات زبانی، بی‌عدالتی‌های سیاسی، هنجارهای ناسختمی اجتماعی و ساختارهای نامتعادل ملی.
۷. ایجاد جسارت و جرئت بیان برای گروه‌های مختلف اجتماعی در جهت بیان خواسته‌ها و نقد و اعتراض نسبت به رفتار حاکمیت و کجی‌ها و نابه‌سامانی‌های سیاسی-اجتماعی؛
۸. انعکاس فعالیت‌های مدنی و حمایت از ارزش‌های دموکراتیک و آزادی‌های اجتماعی-سیاسی.

مهم‌ترین پدیده‌ای که نسبت به رسانه‌ها قابل ردیابی است، این است که در مدیریت، رهبری و تولید فکری آن‌ها جوانان نقش اساسی، تعیین‌کننده و بی‌واسطه‌ای دارند. این رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های نوشتاری، به مثابه محل جولانگری فکری و عرصه‌ی قدرت‌ورزی فرهنگی آنان قرار گرفته‌اند.

جوانان به تجربه و در عمل دریافته‌اند که رسانه‌ها پایگاه‌هایی هستند که آنان می‌توانند از این پایگاه‌ها به عنوان یک سکوی سیاسی-اجتماعی در جهت اثرگذاری به تحولات سیاسی، پدیده‌های فرهنگی و تغییر ذهنیت اجتماعی بهره ببرند. بدین‌رو، رویکرد به رسانه در میان جوانان اکنون دو نوع دست‌آورد بنیادین را تبلور بخشیده است:

- الف.** به مثابه یک منبع «قدرت» نرم‌افزار، ولی تأثیرگذار، اقتدار و جایگاه صاحبان رسانه را در عرض سایر منابع قدرت سخت‌افزار برجسته و حساب‌شده‌ی ساخته است.
- ب.** رسانه‌ها به عنوان یک عنصر مهم هویتی برای جوانان، صلاحیت فکری، توانایی تأثیرگذاری، نفوذ اجتماعی، شأن شهروندی، اعتبار فرهنگی و گستره‌ی مانور سیاسی بخشیده‌اند.

بنابراین، رسانه‌ها به مثابه رکن چهارم جامعه‌ی مدنی، توانسته‌اند فضای گفتمان سیاسی را در بسیاری موارد، از رویارویی‌های خشونت‌بار سیاسی به سمت تساهل نسبتاً دموکراتیک سوق بدهند و الگوی نقد، گفت‌وگو، مناظره و استدلال و بحث سیاسی را در میان سیاست‌گران، رهبران، عاملان سیاسی و نخبگان قومی-اجتماعی رایج سازند. با این وجود، آن‌چه روند آینده‌ی بسیاری از رسانه‌های مستقل را با نگرانی و چالش مواجه می‌سازد، بی‌ثباتی پشتوانه‌ی مالی و بحران سیاسی-اقتصادی کشور می‌باشد که با خطر کاهش حمایت سیاسی-مالی جهان از افغانستان مواجه خواهد بود.

بانک مرکزی: قرضه‌های کابل بانک به زودی برگردانده می‌شوند

صفحه ۲

صفحه ۳

افغان‌ها و پرسشی دشوار نام و تاریخ تولد در سرشماری

خالدالدین که مثل تعداد زیادی از افغان‌ها صرف یک نام دارد، قبلاً برایش تخلص هم انتخاب کرده است تا در جمع نخستین‌ها قرار گیرد. او تصمیم گرفته است تخلصش «معراج» باشد و با افتخار معنای آن را توضیح می‌دهد. اما خالدالدین به عنوان کارمند احصائیه‌ی حکومت افغانستان، باید چیزهایی بیش از انتخاب نام برای خودش را در نظر داشته باشد. او جلودار تلاش‌های حکومت افغانستان برای تشویق همه‌ی افغان‌ها در سرتاسر کشور است تا برای‌شان نام خانوادگی انتخاب کنند. این یک برنامه‌ی کلان است، برنامه‌ای که به دنبال تغییر-و تاحدی معیاری ساختن-عرف انتخاب نام در افغانستان است و تا حدی انعطاف‌پذیر است که رییس جمهور جدید...

صفحه ۴

دار و دسته‌های کابل؛ قصه‌ی شهری که ۴۰۰۰ «خرده‌فروشی» مواد مخدر و ۳۴۰ گروه تبهکار دارد

هر روز جلو شیشه‌ی موترش، کاری از یک نهاد دولتی را دارد و هر چند ساعت، این کارت‌ها تبدیل می‌شوند. «این کارت‌ها را چه قسم به دست می‌آوری؟» - «هههههه، بسیار قصه‌ی دراز داره تمیم جان! پشتش نگره. پیسه هر کاری ره آسان می‌سازه. بگو چه ره می‌خواهی که برت تا نیم ساعت به دست بیارم؟ کارت کدام ارگان؟ کدام نفرشه برت بخرم؟ در کابل، دالر گپ می‌زنه، دیگه همه چیز قصه‌ی مفت است.» گفته‌هایش کمی اغراق آمیز اند. شاید هم آن کارت‌ها ساختگی باشند. می‌دائم که نمی‌خواهد حقیقت را بگوید! - «خوب، این موتر از کیست؟ فکر کنم صاحبش باید شخص مهم و با نفوذی باشد که شیشه‌هایش هم هنوز سیاه اند!»

اطلاعات روز	
	
سه شنبه	
۲۵ قوس	
۱۳۹۳	
سال سوم	
شماره ۷۳۳	
	



یادداشت روز

شانگهای و درک مشترک از مبارزه با تروریسم

.....محمدهادی صادقی

داکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی برای شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری‌های منطقه‌ای شانگهای، به آستانه، پایتخت قزاقستان رفته است. افغانستان، پاکستان و ایران به عنوان اعضای ناظر در اجلاس این سازمان حضور می‌یابند؛ ولی از چند سال به این‌سو تلاش‌هایی جریان دارند که افغانستان به عضویت دایم این سازمان درآید. گفته می‌شود خطر بنیادگرایی و افراط‌گرایی در منطقه و تهدید روزافزون تروریسم از مباحث اصلی این نشست بوده‌اند در چند سال اخیر با گسترش تهدیدهای افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه، اهمیت افغانستان و پاکستان در این اجلاس بیش‌تر شده است؛ چون این دو کشور در خط مقدم مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم قرار دارند. سازمان‌های منطقه‌ای در آسیا؛ مانند شانگهای، سارک، ایکو و دیگر سازمان‌های کوچک و بزرگ در ابتدا همه با موضوع گسترش همکاری‌های اقتصادی ایجاد شده بودند؛ اما با گسترش پدیده‌ی افراط‌گرایی و تهدید تروریسم، این سازمان‌ها ناگزیر شدند که همکاری‌های امنیتی و مبارزه با چالش‌های منطقه‌ای را نیز در محور نشست‌ها و گفت‌وگوهای‌شان قرار دهند. در تمام نشست‌های سالانه‌ی این سازمان‌ها، بحث مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی به عنوان آجنده‌ی اصلی این نشست‌ها شامل شده و کم کم دارد تهدید روزافزون افراط‌گرایی و تروریسم بر رویکردهای اقتصادی این سازمان‌ها غلبه می‌کند. وجود افغانستان و پاکستان به عنوان خط مقدم جبهه‌ی مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، در گفتمان‌های منطقه‌ای ضروری است. پاکستان، ضمن این‌که از صدور افراط‌گرایی و تروریسم به عنوان یک رویکرد استراتژیک در منطقه استفاده می‌کند؛ اما خودش نیز در آتش این پدیده می‌سوزد. افغانستان در خط نخست جبهه‌ی مبارزه‌ی جهانی با پدیده‌ی افراط‌گرایی و تروریسم بین‌الملل قرار دارد و امنیت کشورهای منطقه به جنگ در این جبهه وابسته است. خصوصا این‌که با خروج نیروهای ناتو، حکومت افغانستان به تنهایی بار مبارزه با تروریسم بین‌الملل را به عهده می‌گیرد و این امر برای کشورهای منطقه نگران کننده است.

درک مشترک منطقه از تهدید روزافزون افراط‌گرایی و غلبه‌ی این الزام بر رویکرد اقتصادی سازمان‌های منطقه‌ای، فرصت خوبی برای افغانستان است تا همکاری کشورهای منطقه را در مبارزه با تروریسم جلب کند. دولت افغانستان باید در این نشست‌ها تمام کشورهای منطقه را وادار کند تا در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی همکاری صادقانه کنند. دولت افغانستان در سیزده سال گذشته نتوانسته پاکستان را وادار کند که از صدور افراط‌گرایی و حمایت از تروریسم در افغانستان دست بکشد؛ اما نشست شانگهای فرصت مساعدی است تا با طرح این چالش، از کشورهای منطقه، خصوصا چین و روسیه بخواهد که بالای پاکستان فشار آورند تا از صدور افراط‌گرایی و تروریسم در افغانستان دست بکشد.

هرچند همکاری‌های اقتصادی و تسهیل روند هم‌گرایی منطقه‌ای، به عنوان یکی از اهداف درازمدت سیاست خارجی افغانستان، یک اولویت است؛ اما این نشست‌ها در حال حاضر فقط از رویکرد امنیتی برای افغانستان مفید اند؛ رویکردی که کشورهای منطقه را ملزم به همکاری صادقانه در مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت در افغانستان می‌کند. با توجه به تحولات منطقه و تهدید روزافزون افراط‌گرایی و تروریسم، این گفتمان بر دیگر رویکردهای اقتصادی و سیاسی منطقه غلبه می‌یابد و دولت افغانستان باید این الزام را تقویت کند.

اما متأسفانه حکومت افغانستان تاکنون فاقد یک طرح مشخص و کارآمد منطقه‌ای بوده است. در تمام نشست‌های این سازمان‌ها افغانستان در سطح رییس جمهور اشتراک داشته؛ اما تاکنون شاهد یک برنامه‌ی عملی این سازمان‌ها در مسایل امنیتی افغانستان نبوده‌ایم. تعهدات آن‌ها در نشست‌های مختلف‌شان پیگیری نشده و دولت افغانستان در اجلاس بعدی آن‌ها بی‌برنامه‌تر از گذشته ظاهر شده است. اکنون نیز امید زیادی وجود ندارد که حکومت وحدت ملی با طرح مشخص در این اجلاس حضور یافته باشد و از درک مشترک منطقه در مبارزه با تروریسم، خصوصا در متقاعد ساختن پاکستان به دست کشیدن از صدور این پدیده، استفاده کند.

اطلاعات روز: مسئولان بانک مرکزی می‌گویند که قرض‌داران کابل بانک در داخل و خارج از کشور شناسایی شده و همه‌ی قرضه‌های این بانک به‌زودی برگردانده می‌شوند. خان افضل هدهوال، سرپرست این بانک گفت که در حال حاضر حدود ۵۰ درصد قرضه‌های کابل بانک از پول نقد، جایداد و دارایی حاصل شده است، او این اظهارات را دیروز در نشستی به مناسبت خداحافظی نورالله دلاوری، رییس سابق بانک مرکزی در کابل بیان کرد. هدهوال در این نشست تأکید کرد که اکنون

سیستم بانک‌داری تحت کنترل درآمده و این روند در حال پیشرفت است. او در ادامه از مداخلات سیاسی توسط برخی از حلقات در داخل و خارج از کشور در نظام بانکی انتقاد کرد. او افزود که در سایر کشورهای جهان در مورد نظام بانکی کشور نوشته‌های بی‌شمار نشر می‌شوند و نمی‌گذارند روند حصول قرضه‌های کابل بانک به‌طور عادی پیش برود. او افزود که خیلی از اشخاص در مورد نظام بانکی هیچ‌چیزی را نمی‌فهمند، اما در خصوص قضیه‌ی کابل بانک

بانک مرکزی:

قرضه‌های کابل بانک به‌زودی بر گردانده می‌شوند

جایدادهای آنان زمانی از این حالت بیرون می‌شوند که تمام حساب‌های‌شان با مدیریت تصفیه‌ی این بانک صفر شود. کابل بانک در سال ۲۰۱۰ میلادی پس از برداشت بیش از ۹۰۰ میلیون دالر توسط سهام‌دارانش، ورشکست شد. در زمان حامد کرزی، رییس جمهور سابق کشور این قضیه حل نشده باقی ماند؛ اما اشرف غنی، رییس جمهور جدید در روزهای اول کاری‌اش دستور داد این قضیه بازگشایی و افراد دخیل در بحران کابل بانک مورد پیگرد عدلی قرار گیرند.

اقدام تازه برای تولید برق از گاز شمال کشور

شبرغان از طریق بازسازی سه چاه گاز عنوان کرده است.

راندانازی یک سروی برای تصدیق کمیت، کیفیت و فشار ذخایر گاز، دریافت کمک برای آغاز پروژه و چگونگی طرح، اعمار و بهره‌برداری یک فابریکه‌ی پروسس گاز و هم‌چنان یک کارخانه‌ی تولید برق ۲۰۰ میگاواتی در نزدیکی شهر مزار شریف، هدف دیگر این پروژه گفته شده است. در همین حال، مقام‌های وزارت معادن و پترولیم گفته‌اند، بر اساس تحقیقات و عکس‌برداری‌های

گاز طبیعی شمال افغانستان، به‌ویژه در زمینه‌ی تصفیه‌ی گاز و تولید انرژی از طریق گاز مایع برگزار شده بود. بر اساس این خبرنامه، این کار برای رفع نیازمندی برق شهروندان افغانستان صورت می‌گیرد. به نقل از پژواک، پروژه‌ی انکشاف گاز شبرغان یک پروژه‌ی چهارساله به ارزش ۱۲۵میلیون دالر است که توسط اداره‌ی انکشاف بین‌المللی امریکا تمویل می‌شود. نهاد مذکور هدف این پروژه را جلب و تشویق سرمایه‌گذاری در سکتور انرژی

درگیری شدید بین نیروهای امنیتی و طالبان در کنر

مربوطات ولسوالی دانگام باز است و طالبان به حمایت نظامیان پاکستان از خط دیورند عبور کرده و به این ولسوالی حمله کرده‌اند. راندانازی یک سروی برای تصدیق کمیت، کیفیت و فشار ذخایر گاز، دریافت کمک برای آغاز پروژه و چگونگی طرح، اعمار و بهره‌برداری یک فابریکه‌ی پروسس گاز و هم‌چنان یک کارخانه‌ی تولید برق ۲۰۰ میگاواتی در نزدیکی شهر مزار شریف، هدف دیگر این پروژه گفته شده است. در همین حال، مقام‌های وزارت معادن و پترولیم گفته‌اند، بر اساس تحقیقات و عکس‌برداری‌های

دو روز قبل آغاز شد، اما این درگیری به روز دوشنبه، ۲۴ قوس شدت گرفته است. او افزود، گروه دو هزار نفری طالبان داخلی و خارجی بر پاسگاه‌های امنیتی در مناطق مختلف ولسوالی دانگام این ولایت حمله کرده‌اند.

اما افزود که با ادامه‌ی این درگیری، مردم محل به حمایت از نیروهای امنیتی با وسایلی چون بیل و کلنگ علیه طالبان قیام کرده‌اند. سیدخیلی گفت، راه عبور و مرور مردم در دو سوی خط دیورند در

پولیس کابل از دو حمله‌ی تروریستی جلوگیری کرد

دیگر خبرنامه آمده است که پولیس کابل روز دوشنبه، ۲۴ قوس از یک رویداد تروریستی در مربوطات ولسوالی بگرامی جلوگیری کرده است. بر اساس این خبرنامه، این ماین از سوی تروریستان در مسیر سرک ولسوالی بگرامی جاسازی شده بود که از سوی پولیس کابل کشف و در محل انفجار داده شد. در پیوند به این رویداد تا حال فردی بازداشت نشده، اما تحقیقات پولیس پیرامون ردیابی عاملان آن جریان دارد. این در حالی است که اخیراً کابل شاهد ناامنی شدید بوده است. به روز

باروت است. وزارت داخله می‌گوید، تروریستان قصد داشتند که با استفاده از این مواد انفجاری، یک حمله‌ی انتحاری را در مربوطات شهر کابل سازماندهی کنند. این موتر مملو از مواد انفجاری در یک عملیات کشفی پولیس واکنش فرماندهی پولیس کابل از مربوطات حوزه‌ی پنجم امنیتی کشف و به‌دست آمده است. وزارت امور داخله‌ی کشور می‌گوید که در پیوند به این رویداد، راننده‌ی موتر بازداشت شده و تحقیقات بیش‌تر از وی جریان دارد. در بخش

رییس جمهور قزاقستان در نشست شانگهای:

در برابر جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی مبارزه‌ی مشترک شود

همه‌جانبه‌ی توافق‌های گذشته در زمینه‌ی همکاری‌های اقتصادی و جست‌وجوی راه‌های جدید همکاری میان افغانستان و ازبکستان مورد بحث قرار گرفت. رییس اجرایی همراه یک هیأت بلندپایه‌ی دولتی دو روز پیش برای شرکت در نشست سازمان همکاری‌های شانگهای به قزاقستان رفت. عبدالله پس از رسیدن به آستانه با نخست‌وزیر قرغیزستان دیدار کرد. در این ملاقات، روی نیازمندی‌های مشترک و تقویت

بیش‌تر از هر زمانی ثبات و حل منازعات ارضی میان کشورهای عضو تلاش کند. گسترش روابط و همکاری‌ها در بخش‌های امنیتی، اقتصادی، تجارتی و بررسی چالش‌های امنیتی در منطقه، محور اصلی گفت‌وگوهای این نشست را تشکیل می‌دهد. پیش از این نشست، رییس اجرایی در دیدار با مقام‌های ازبکستان روی تقویت روابط تأکید نمود. در این دیدار، ادامه‌ی روابط تجارتی میان دو کشور، واردات برق از ازبکستان و تطبیق

محصولات باغ‌داران باید تحت پوشش خدمات لازم قرار گیرند

ملی انکشاف قوبره‌داران افغانستان که در این نشست حضور داشت، گفت که این مؤسسه در ۲۲ ولایت ۲۶ انجمن ایجاد نموده و برای قوبره‌داران، نهال‌های اصلاح شده را توزیع کرده است. وی افزود که از سال ۲۰۰۸ میلادی بدین‌سو، این نهاد در سراسر کشور پنج میلیون نهال اصلاح شده را توزیع کرده و قرار است سال آینده نیز ۵۰۰ هزار نهال دیگر را برای قوبره‌داران توزیع نماید. نور نیز به بازاریابی و معیاری شدن محصولات باغ‌داران تأکید کرد و گفت: «اگر زمینه‌ی بازاریابی خارجی برای محصولات فراهم شود، دهاقین نیز علاقه می‌گیرند بیش‌تر بالای باغ‌های‌شان سرمایه‌گذاری نمایند». (پژواک)

باغداران در حال کاشت نهال در باغ‌های خود

باغداران در حال کاشت نهال در باغ‌های خود

افغان‌ها و پرسش دشوار نام و تاریخ تولد در سرشماری

منبع: نیویورک تایمز

نویسنده: جوزف گولدستین

برگردان: حمید مهدوی

خبرنگار واروازی

هادی دریایی

تا آخر بخوانید تا متوجه شوید

امروز برابر است با مقایسه‌ی شهر کابل و روستای من. کابل شهر قشنگی است؛ مردمانش مهربان و خیلی پیشرفته‌اند. تقریباً اکثریتشان فیس‌بوک دارند و استاتوس‌های محیط و فضای سالم را لایک می‌زنند. شهرداری را به بی‌کفایتی متهم می‌کنند. از تلنبار شدن کثافات و پس‌مانده‌های مصرفی روزانه در کنار سرک‌ها شکایت دارند و نیز هر روز نماز می‌خوانند. مسجد زیاد دارند و مسجدهای شهر کابل، در مقایسه به مسجد روستای من، خیلی شیک و مقبول‌اند. پخته‌کاری‌اند و مردم زیادتر به مسجد می‌آیند. برعکس، روستای من تازه با فیس‌بوک آشنا شده، بچه‌ها عکس‌هایشان را رقم رقم گرفته در فیس‌بوک می‌اندازند و کمترشان استاتوس‌های روز و موردی می‌خوانند و لایک می‌زنند. مسجد ما زیاد پیشرفته ساخته نشده و نفوس قریه‌ی ما زیاد نیست. کابل در عین زیبایی، صد مرتبه کیفیت‌تر از روستای من است؛ با تمام مساجد و ملاها و شخصیت‌ها و روشنفکرانش. این‌جا، این روزها، از طرف صبح و شام، کوچه‌ها دربست اسیر دود زغال سنگ و چکل (کفش‌های کهنه، پلاستیک و هر آشغال قابل سوخت دیگر) و چوب‌اند. این‌جا کوچه‌ها با هم مسابقه دارند، مسابقه در تلنبار کردن بازمانده‌های غذا و مصرفی‌های روزانه، سوختاندن چکل و دود صادر کردن، بعدش مسابقه در تنفس کردن این دودها و رفتن به دواخانه‌ها و مطب‌های داکتران! ولی در روستای ما، مردم عقب مانده‌اند و چنین مسابقاتی برگزار نمی‌شوند. آن‌جا نه شهرداری حضور دارد که سطل‌های آشغال را سر کوچه بگذارد و نه مردم به اندازه‌ی کافی هوشیار اند که آشغال را نه در سطل‌های آشغال، بلکه کنار همان سطل روی سرک بیندازند. شما اگر این روزها از طرف صبح و شام در کوچه‌ها سری بزنید، مطمئنم دود هم در کمال آرامش این سرزدن شما را به دیده‌ی قدر نگریسته و تا آخرین سوراخ مربوط به دستگاه تنفسی، سر می‌زند و گرم احوال اعضای تنفسی‌تان را می‌گیرد. (البته شما تا مجبور نشدید، این کار را نکنید).

بعدش، گاهی ما فکر می‌کنیم که این‌جا مردم از مجبوری، برای گرم کردن هوای خانه‌ی خود، زغال و چکل و پلاستیک می‌سوزانند؛ در حالی که در روستاها، مردم بوته دارند، چوب دارند و نیاز نیست پلاستیک را بسوزانند و کفش‌های کهنه‌ی خویش را در معدده‌ی بخاری انداخته و از طریق بینی آن را دوباره نوش جان کنند. آن‌جا کسی کفش کهنه‌اش را دوباره داخل بدنش نمی‌کند. معمولاً از قریه دورتر می‌اندازند تا به‌صورت طبیعی نابود شوند. این‌جا حتا کفش‌های کهنه و بدون استفاده، نعمتی است در سرحد وحدت ملی؛ مخصوصاً که حالا هوا هر روز سرد و سردتر می‌شود. گفته که تصور این است که مردم کابل از روی ناچاری فضای خویش را جهنم می‌سازند و دست به خودکشی می‌زنند، اما این تصور کاملاً نادرستی هم نیست. هستند خانواده‌هایی که چند خانه را به کرایه داده و کاروبارشان در ناف کابل گرم و پررونق است؛ اما شب‌های سرد را با سوختاندن پلاستیک و رابر گرم می‌کنند. اتفاقاً تعداد این خانواده‌ها بسیار بالا هم هستند. پس می‌توان به‌راحتی ادعا کرد که خود مردم در کثیفی شهر، بیش‌تر از نهادهای مسئول، مقصر اند. در این زمینه، کابل نسبت به روستای دورافتاده‌ی من، برتری دارد. چیز دیگری که در کابل زیاد است و در روستای من وجود ندارد، داکتر متخصص است. همین چند روز پیش یکی از اقارب ما، بابت گلودردی (که مشخص است عامل آن هوای آلوده است) رفته به یک سفاخانه که تقریباً متخصص تمام بخش‌ها را دارد. داکتر بعد از معاینه‌ی اولیه، سفارش می‌کند که پرو اداریت را لابراتوار کن، بعدش آزمایش خون، سپس داخل یک تونل انداخته عکس سر و گردنش را می‌گیرد و چند تکنیک دیگر هم رویش کار می‌کند؛ آخر سر با دو پاکت پنادول و یک پاکت آموکسی‌سیلین، رخصتش می‌کند. این بنده‌ی خدا از اول هم می‌فهمید که داکتر نه نظری به تکلیف و درد گلوئی وی دارد و نه رحمی بر وضع و حال و اقتصادی وی، تن به این سناریو می‌دهد. آخر سر، می‌رود سراغ داکتر، از یخن داکتر می‌گیرد که خب داکتر صایب! لباس سفید و پاک می‌پوشی و روز روشن جیب مردم را خالی می‌کنی؟ پدر و پدر کلانت خوب بود که سلاح می‌گرفتند و جیب مردم را خالی می‌کردند؛ اما تو... خلاصه بعد از یک رسوایی، پولش را از داکتر گرفته و بدون دارو به خانه برمی‌گردد. کابل از این داستان‌ها زیاد دارد؛ اما روستای من، مردم از بس که از این داستان‌ها بی‌خبر اند، گاهی خود را به زور مریض کرده به کابل می‌آیند که از این داستان‌ها خبر شوند.

در کابل، روزها مردم از ترس انتحاری دلیر گشت‌وگذار نمی‌کنند، ولی در روستای ما، مردم شب‌ها زیاد نمی‌گردند؛ چون گرگ‌های وحشی حضور به‌هم می‌رسانند. آن‌جا مردم دشمن جان خویش (گرگ) را مخالف سیاسی نمی‌خوانند؛ اما این‌جا کلان داکترش که گفته می‌شود عقل کل است، دشمن جان خویش را مخالف سیاسی می‌خواند. یعنی تو تا هنوز هم نفهمیده‌ای که یک مقاله‌ی شاگرد صنف هفتم مکتب را می‌خوانی؟ بابا این نوشته از یک بچه‌ی صنف هفتم است که اصلاً از دهات است و به شهر آمده و معلمش از وی خواهش کرده بود که کابل را با روستای خویش مقایسه بکند.



بدهد تا انواع داده‌های شخصی او فراهم شوند. هم‌چنین هر افغان یک کارت هویت جدید دریافت می‌کند که با خود یک عدد چیپ دارد. این چیپ حاوی داده‌های بیومتریک، از قبیل اسکن عنبیه (چشم) و اثر انگشت است.

بسیاری‌ها نگرانند که کارت‌های جدید، توازن ظریف و حساس قومی در کشور را برهم خواهد زد. افغانستان از لحاظ قومی متنوع است و پشتون‌ها، بزرگ‌ترین گروه قومی، در جنوب و شرق، و تعداد قابل ملاحظه‌ای از اقلیت تاجیک در شمال کشور به‌سر می‌برند. گروه‌های قومی دیگر این کشور هزاره‌ها، که بارها مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، ازبک‌ها و دیگر اقوام اند.

اما برای بسیاری از افغان‌ها، پرسشی که باید با احتیاط و مهارت به آن پاسخ دهند، احتمالاً نام‌شان است. در حالی که برخی از کشورها، به‌شمول ایران و ترکیه، نام خانوادگی را در نیمه‌ی اول قرن بیستم بر شهروندان خود تحمیل کردند، این کار هرگز در افغانستان انجام نشد. طبیعت دورافتاده و قبیله‌ای روستاهای افغانستان ممکن است با فقدان نام خانوادگی ارتباط داشته باشد. هم‌چنین یکی از دلایل دیگر آن احتمالاً ضعف تاریخی حکومت افغانستان است که به‌خاطر سهولت ردیابی آن‌ها به مقاصد سربازگیری و اخذ مالیات از آن‌ها، به‌نام‌های ثابت تمایل داشته است.

برخی از افغان‌ها در سال‌ها اخیر هنگام درخواست ویزای کشورهای خارجی نام خانوادگی انتخاب کرده‌اند. دیگران با ورود سازمان‌های خارجی و استخدام کننده‌ها، پس از سقوط حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱، این کار را انجام داده‌اند.

با این حال، وقتی محمد اختر، یک فرمانده بازنشسته‌ی پولیس ماه گذشته دروازه را به روی تیم خلیل‌الدین گشود، گفت که آماده است یک نام خانوادگی انتخاب کند و آن را نام خانوادگی هفت کودکش بگذارد. وی توضیح داد، «محمد اختر» صرف نام اول او بود. نایب‌خیل، نام قبیله‌اش را به عنوان نام خانوادگی‌اش انتخاب کرده است. وی گفت: «من در مورد این نام فکر کرده‌ام و حالا آماده‌ام آن را انتخاب کنم».

خلیل‌الدین، کارمند احصائیه به نوبت خودش گفت که نسخه‌ی مختصر نام پدرش، که معراج‌الدین نام دارد را به عنوان نام خانوادگی‌اش استفاده خواهد کرد، هرچند پدر و دیگر اقاربت حنیفی را به عنوان نام خانوادگی‌شان انتخاب کرده‌اند. وی گفت: «اعضای خانواده‌ام حنیفی را استفاده می‌کنند؛ اما من معراج را استفاده خواهم کرد.» «من به پدرم گفتم که نام او را به عنوان نام خانوادگی‌ام انتخاب خواهم کرد. او با وجودی که چیزی نگفت، در این مورد خوشحال است».

تقلب انتخاباتی که دامنگیر انتخابات ریاست جمهوری سال جاری شد، نیز جلوگیری خواهد کرد. گروه‌های سرشماری اغلب یک مرد و یک زن را شامل اند و معمولاً زمان قابل توجهی را در انتظار پشت دروازه‌هایی سپری می‌کنند که هرگز باز نمی‌شوند. اخیراً در یک بامداد، زمانی که تیم سرشماری در مجتمع‌های مکروریان، آپارتمان‌های ساخت شوروی که بسیاری از کابلی‌های طبقه‌ی متوسط در آن‌ها زندگی می‌کنند، به یکی از خانه‌ها در زد، صدای خفیفی از داخل شنیده شد. مسعود رحمانی، یکی از ناظران این سرشماری گفت:

«پدر خانواده‌ای که در این آپارتمان زندگی می‌کند، در خانه نیست - پس آن‌ها نمی‌توانند برگه‌ها را خانه‌پری کنند.» «این مشکلی است که ما معمولاً با آن مواجهیم».

در یکی از محل‌های دیگر، در شمال کابل، زنی دروازه را باز کرد؛ اما صرف تیلفونی را به خالدالدین داد. پشت خط شوهر او بود و از آن‌ها خواست بعداً بیایند. از زمانی که کارمندان احصائیه در سال جاری کارشان را آغاز کرده‌اند، آن‌ها ۷۰ هزار تن (صرف ۲ درصد جمعیت کابل) را ثبت کرده‌اند. مقام‌های خوش‌بین افغان می‌گویند که سال‌ها زمان خواهد برد تا سروری در سراسر کشور تکمیل شود. هم‌ایون محتاط، مدیر این پروژه گفت: «ما معتقدیم در جریان پنج سال، هفتاد درصد جمعیت سروری خواهد شد».

هیچ‌کسی نمی‌داند چه تعداد مردم در افغانستان زندگی می‌کنند. آخرین سرشماری در سال ۱۹۷۹ تعداد مردم افغانستان را ۱۴٫۶ میلیون تن دریافت. نظر به گفته‌ی مقام‌ها، اداری ثبت احوال نفوس افغانستان در حال حاضر ۱۷ میلیون تن از شهروندان افغانستان را ثبت دارد. این اداره، جایی است که سال‌ها شهروندان به‌دنبال پاسپورت، شرکت در ارتش یا تغییر حالت مدنی‌شان به این‌جا آمده‌اند. به هر صورت، قبل از انجام این کارها، صحت و سقم هویت مراجعه کننده باید در یکی از کتاب‌های این اداره تثبیت شود. منشی‌های این اداره می‌گویند که آن‌ها تقریباً هیچ‌گاهی در یافتن و تعیین محل معلومات ثبت شده ناکام نمی‌مانند، به استثنای آدم‌های بدشانسی که نام‌شان در صفحه‌ی اول یا آخر درج شده باشند. نام‌ها و عکس‌ها در طول چندین دهه، عمدتاً از استفاده خارج شده‌اند. منشی‌هایی که در این‌جا کار می‌کنند، توانایی خوبی در حدس زدن سن افراد دارند و در جایی که تعداد اندکی از افراد سن و سال‌شان را می‌دانند، این یک ضرورت است. آقای محتاط حدس می‌زند که نتیجه‌ی سرشماری، چیزی در حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیون افغان خواهد بود.

این در حالی است که شمردن تعداد شهروندان در مقایسه با ثبت آن‌ها از اولویت کمتری برخوردار است. از هر بزرگ‌سال خواسته می‌شود به بیش‌تر از ۳۰ پرسش پاسخ

خالدالدین که مثل تعداد زیادی از افغان‌ها صرف یک نام دارد، قبلاً برایش تخلص هم انتخاب کرده است تا در جمع نخستین‌ها قرار گیرد. او تصمیم گرفته است تخلص «معراج» باشد و با افتخار معنای آن را توضیح می‌دهد.

اما خالدالدین به عنوان کارمند احصائیه‌ی حکومت افغانستان، باید چیزهایی بیش از انتخاب نام برای خودش را در نظر داشته باشد. او جلودار تلاش‌های حکومت افغانستان برای تشویق همه‌ی افغان‌ها در سرتاسر کشور است تا برای‌شان نام خانوادگی انتخاب کنند.

این یک برنامه‌ی کلان است، برنامه‌ای که به‌دنبال تغییر - و تاحدی معیاری ساختن - عرف انتخاب نام در افغانستان است و تا حدی انعطاف‌پذیر است که رییس جمهور جدید کشور دستوری مبنی بر واضح ساختن نامی که می‌خواهد استفاده کند، صادر کرد. نام او به عنوان یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری، اشرف غنی احمدزی بود. اکنون، به عنوان رییس جمهور، نامش صرف محمد اشرف غنی است.

خالدالدین فکر می‌کند بیست و هشت ساله است (افغان‌ها هم‌چنین تشویق می‌شوند تا برای‌شان تاریخ تولد انتخاب کنند) و تیشم هر روز خانه به خانه می‌رود و تلاش می‌کند خانواده‌ها را به پر کردن برگه‌های سرشماری تشویق کند. انجام سرشماری، حتا در کشورهای توسعه‌یافته، می‌تواند مشکل باشد؛ اما در افغانستان، چالش‌های منحصربه‌فردی مانند دوری جستن از طالبان و رفت و آمد در کوه‌های پامیر و هندوکش که در دره‌های دورافتاده‌ی آن‌ها تعداد بی‌شماری از افغان‌ها زندگی می‌کنند، وجود دارند.

با این وجود، فرهنگ می‌تواند بزرگ‌ترین مانع باشد. بسیاری از مردم نام خانوادگی ندارند. اکثریت تاریخ تولدشان را نمی‌دانند و زنان افغان به‌صورت عموم، در صورتی که شوهران‌شان در خانه حضور نداشته باشند، به پرسش‌ها پاسخ نمی‌دهند و این کار اغلب در جریان روز می‌شود، زمانی که کارمندان احصائیه در می‌زنند (برای انجام سرشماری به خانه‌ها مراجعه می‌کنند).

خالدالدین در حالی که در یک سرک خاکی ایستاده بود، گفت: «به آن‌ها می‌گویم، اگر نام خانوادگی ندارند، برای‌شان یک نام انتخاب کنند». پرچم‌های رنگارنگ شیعه‌ها بالای خانه‌ها برافراشته بودند. در داخل آن‌ها، خانواده‌هایی بودند که انتظار ثبت نام را می‌کشیدند. وی توضیح داد: «وقتی نام خانوادگی داشته باشید، از هر چیزی استفاده کرده می‌توانید».

بزرگ‌ترین سرشماری افغانستان، پس از تأخیر طولانی، آغازهای نیمه‌کاره و حیف‌ومیل شدن میلیون‌ها کمک خارجی، سرانجام در جریان است. این روند، چیزی بیش از شمردن تعداد افراد است و مقام‌ها امیدوار اند، از نوع



مهدی زرتشت

مسکو افغانستان در نگاه

تهدید قدیمی و جدید امنیت در آسیای مرکزی؛ چالشی برای سیاست دفاعی و سیاست خارجی روسیه

نویسنده: آندری کازانتسیف، رییس مرکز تحلیل
دانشگاه وزارت خارجه روسیه (МГИМО)

منبع: وبسایت دانشگاه МГИМО

بخش آخر

از جمله عوامل مهم بی ثباتی داخلی حتما در کشورهای نسبتاً مرفه منطقه (به طور خاص قزاقستان) را می شود به مشکلات انتقال حاکمیت، ربط داد. برعکس، رییس جمهور موفق و مؤثر همچون نورسلطان نظربایف برای چندین دهه ظاهراً بر تمام فرایندهای دولت، تأثیر مثبت و عمیقی گذاشته است. در صورتی که چنین رهبری، به خاطر یک سری مسایل از روند قدرت خارج شود، آنگاه یافتن جاگزین شایسته به جای او، کار بسیار سخت است. البته باید در نظر داشت که تنها مشکلات اجتماعی درازمدت است که در همه کشورهای آسیای مرکزی - هرچند اصالتاً به درجه های متفاوت - باعث تضعیف ثبات (به جز قزاقستان) می شود. این مشکلات درازمدت اجتماعی عبارت از فقر، فساد، درگیری های منطقه ای و بین القومی اند. جالب است که انتقال قدرت سیاسی برای شخص اسلام کریموف در ازبکستان به عنوان یکی از مسایل مهم (آن گونه که کارشناسان غربی می فهمند، دست کم از نقطه نظر کارایی و فراهم سازی شرایط ثبات سیاسی و امنیت) در شاخص های بین المللی «ضعف دولت» تلقی می شود. [مجله The Fragile States Index ازبکستان را در سال ۲۰۱۴ از ۱۷۸ در ردیف ۴۸ام قرار داد (مقیاس معکوس که از نظر کارشناسان غربی ازبکستان از نقطه نظر تهدیدات فروپاشیدن دولت ها در جهان، ۴۸مین کشور از فهرست ۱۷۸ کشور است). این برآورد غربی ها ازبکستان را در ردیف نزدیک قرغیزستان قرار می دهد که به اعتقاد و باور ما، یک نیروی بی رحم در حال آشکار شدن است و شاید با ملاحظات «دموکراسی»، قابل مهار نباشد.

یک رویارویی شدید میان کشوری بیش از تقسیم آب رودخانه ی مرزی، در حال شکل گیری است. برای جمهوری های مستقل آسیای مرکزی، این یکی از کلیدی ترین موضوعات، به خصوص در بخش انرژی امنیت غذایی محسوب می شود. قبل از هر چیز، ما هنوز یک درگیری و بحران قدیمی را که میان ازبکستان و تاجیکستان پیش آمد، فراموش نکرده ایم، همین طور احتمال یک تنش دیگر شبیه آن چه گفتیم، میان ازبکستان و قرغیزستان و دیگر کشورهای بالادست و پایین دست وجود دارد که در امتداد رودخانه های آمودریا و سیر دریا قرار گرفته اند. علاوه بر تناقضات متقابل ملی که ظاهراً در حال رشد هستند، تضادها و رویارویی ها در امور سیاسی آسیای مرکزی میان قدرت های بزرگ جهان (در قدم نخست ایالات متحده آمریکا، جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه) شکل تازه تری به خود خواهد گرفت. این امر در مناقشات و تنش های تند میان روسیه و غربی ها - به ویژه در زمینه ی بحران جاری در اوکراین - و هم چنین ایالات متحده و جمهوری خلق چین بر سر گسترش روزافزون فعالیت های نظامی در اقیانوس آرام و همزمان تنش های کلامی میان قدرت های مذکور، می تواند به عنوان عامل اصلی، نقش بازی کند. از سوی، این مناقشات و رویارویی های سیاسی، منجر به تحمیل فشار همه جانبه بالای کشورهای آسیای مرکزی خواهد شد و از سوی دیگر، صفحه ی جدیدی از «بازی های بزرگ» را ورق خواهد زد.

در نتیجه می توان گفت که بر اساس مؤلفه های موجود، مشکل امنیت در سطح کشورهای منطقه در حال رشد است و هیچ کس قادر به حل آن نیست. زیرا که حول و حوش این ماجرا، تمام بازی گران کلیدی خارجی دست دارند که همه برای ورق زدن هر نوع شرایطی، قویا تأثیرگذار اند و می توانند بر یکدیگر اعمال نفوذ کنند. گرافیک این جریان موجود را می توان با مدل افسانه های قدیمی کریلوف [۱] و [۲] مقایسه کرد: فو، خرچنگ و نیزه ی چوبی که بر مدار جغرافیای آسیای مرکزی به عنوان یک منطقه ی بین المللی، نقش شده است.

به طور کلی، با در نظر داشت موارد تأثیرگذار بر مشکلات نام برده، اکنون لازم است به منظور اطمینان بخشی از امنیت ملی روسیه، به حلاجی مشکلات موجود در کشورهای آسیای مرکزی، توجه ویژه شود و من فکر می کنم، برای یافتن راهکارهای جدید، ما باید راه های جدید سیاست خارجی را در پیش بگیریم.

۱- басни Крылова

۲- ایوان آندریویچ کریلوف، نویسنده، افسانه پرداز و خبرنگار روس. افسانه های کریلوف اکنون جزو مهمی از ادبیات کلاسیک روسیه به حساب می آید و افسانه های مشهور او را بسیاری از مردم روسیه شنیده اند و حفظ کرده اند. گوگل، نویسنده ی شهیر روس، افسانه های کریلوف را «کتاب خردمندی خود ملت» نام گذاشت. بلیسنکی یکی از متقدان سرشناس روس در باره ی افسانه های کریلوف می گوید که شخصیت های افسانه ها «تصویر شاعرگونه ی یکی از جهات جامعه، کمیدی کوچک، که در آن شخصیت های فعال حقیقتاً بی اندازه خاص و رعایت شده هستند.»

یافته های این گزارش می رسانند که هم اکنون، در ۸۰ بخش کابل، خرید و فروش مواد مخدر صورت می گیرد. کارته ی نو، پُل چرخ، پُل سوخته، شهر کهنه، شهر نو، کوله پشتی، مکروریان ها، وزیر اکبرخان، تایمینی و خیرخانه، عمده ترین این بخش ها اند. بر بنیاد این یافته ها، در حدود ۴۰۰۰ «خرده فروش» مواد مخدر (بخشی کوچک از ۳ میلیون نفری که در افغانستان به کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر می پردازند) هر روز ۱۵ تا ۲۰ کیلوگرام مواد را به بیش از ۱۰۰ هزار معنادی که در پایتخت به سر می برند، می فروشند؛ معنادانی که هر کدام شان دست کم سه دالر امریکایی را در یک روز، مصرف اعتیاد خویش می کنند و با این کار، هزینه ی همه ی معنادان کابل را، در یک روز، به ۳۰۰ هزار دالر می رسانند.

از پشت شیشه های سیاه، بیرون را تاریک می بینم؛ سرک ها، موتورها، مردم، ساختمان ها، بازارها و حتا پول هایی که در دست صرافان است! همه ی این ها رنگ تیره ای به خود گرفته؛ هرچند ساعت هاست که در داخل این موتر هم، گواه «تجارت سیاه» می باشم.

یک روز داغ اخیر تابستان است و موتری که من و همراهم (راننده) در آن حضور داریم، با سرعت، جاده های شرق شهر کابل را می پیماید. دست کم دو ماه تلاش کرده ام تا به این موتر برسم و برای چند روز، هم نشین جوانی باشم که یکی از ده ها توزیع کننده ی اصلی مواد مخدر به «خرده فروشان» در کابل است.

کسی که مرا به این جوان ۲۷ ساله معرفی کرده، خودش عضو پیشین نهادهای امنیتی افغانستان بوده و این شگفت آور نیست؛ زیرا خود این نهادها هم تأیید می کنند که قاچاق بران مواد مخدر، در همه ی رده ها نفوذ کرده اند. می گوید که نامش «رستم» است؛ شاید هم می خواهد با چنین نام گذاری بر خودش، به رُخ بکشد که بی رقیب است.

«به کسی سر خم نمی کنم. همی موتر دو سال است زیر پایم است و همی کاروبار؛ سر هیچ کسی خیر نیست!»
باشنده ی شمال افغانستان است و تا صنف دهم مکتب، تحصیل کرده است. چشم های سبز و موهای زردش، او را به اروپاییان شباهت می دهد. با پیراهن و پتلون گران بهایی که پوشیده، بیش تر به یک جوان ثروتمند و خوش گذران می ماند تا یک توزیع کننده ی اصلی مواد مخدر در کابل!

پنج سال پیش، زمانی که در ایران بوده، به مواد مخدر رو آورده و پس از برگشت به افغانستان هم - تا نزدیک به دو سال - اعتیادش دوام داشته است؛ هرچند اکنون، دیگر معتاد نیست. «از طریق همی پرچون فروش ها با مردمای اصلی کاروبار (مواد مخدر) آشنا شدم. باز دیگه شرط اصلی همی بود که پودر نرتم که همی کار ره کردم.»

در این سه روز که با او بودم، دیدم که با بی پروایی تمام، از چهارراه ها و ایست های بازرسی پولیس می گذرد. بیش تر جاده های کلیدی را انتخاب می کند؛ شاید با این کار، می خواهد مرا مرعوب خودش بسازد و نشان بدهد که از چیزی هراس ندارد!

هر روز جلو شیشه ی موترش، کارتی از یک نهاد دولتی را دارد و هرچند ساعت، این کارت ها تبدیل می شوند.

«این کارت ها را چه قسم به دست می آوری؟»
«هههههه، بسیار قصه ی دراز داره تمیم جان! پشتش نگرده. پیسه هرکاری ره آسان می سازه. بگو چه ره می خواهی که برت تا نیم ساعت به دست بیارم؟ کارت کدام ارگان؟ کدام نفرشه برت بخرم؟ در کابل، دالر گپ می زنه، دیگه همه چیز قصه ی مفت است.»

گفته های کمی اغراق آمیز اند. شاید هم آن کارت ها ساختگی باشند. می دانم که نمی خواهد حقیقت را بگوید!

«خوب، این موتر از کیست؟ فکر کنم صاحبش باید شخص مهم و با نفوذی باشد که شیشه هایش هم هنوز سیاه اند!»

به سویم نگاه می اندازد و با احتیاط می گوید:

«از ریسم است؛ اما ای ره دیگه پرسان نکن که ریسمت کیست و چه کاره است!»

رستم در این سه روز، بیش تر به جاهای شناخته شده ی کابل می رود؛ کارته سه، شهرنو، مکروریان ها، وزیر اکبرخان، تایمینی و کوله پشتی.

او هر بار مرا در گوشه ای از موتر پایین می کند و خودش رفته با ۱۰ تا ۱۵ دقیقه تأخیر، برمی گردد.

می گوید که هر هفته، دو تا سه روز را باید به توزیع مواد مخدر به «خرده فروشان» در این بخش ها بپردازد.

«در مقابل این کار، چند می گیری؟»

«مختلف است! هر روز که توزیع باشه، سه کیلو الی پنج کیلو ره انتقال مینم و تا شام که توزیع شد، باز حق مه ۲۰۰ دالر،

دار و دسته های کابل؛ قصه ی شهری که ۴۰۰۰ «خرده فروش» مواد مخدر و ۳۴۰ گروه تبهکار دارد

گزارشی از: تمیم حمید



به دام افتادن، به خاطر کم بودن مقدار مواد، مدتی کمی را در زندان سپری کنند.»

بخشی از گفته های یک مقام افغان در کابل که در پیوند با این گزارش، برابم معلومات می دهد.

هرچند او از این که - با وجود چنین اطلاعات - هنوز برای آماج قرار دادن این «خرده فروشان» کاری جدی صورت نگرفته، به شدت انتقاد می کند.

سندهایی که من در زمان تهیه ی این گزارش به دست آورده ام، نیز کم کاری نهادهای مبارزه با مواد مخدر را در کابل آشکار می سازند. این سندها می رسانند که در تمام سال ۱۳۹۲، حوزه ی اول پولیس کابل، ۱۳ قضایه؛ حوزه ی دوم، ۲۴ قضایه؛ حوزه ی سوم، ۲۰ قضایه؛ حوزه ی چهارم، ۷ قضایه؛ حوزه ی پنجم، ۱۷ قضایه؛ حوزه ی ششم، ۴۰ قضایه؛ حوزه ی هفتم، ۲ قضایه؛ حوزه ی هشتم، ۲۳ قضایه؛ حوزه ی نهم، ۱۴ قضایه؛ حوزه ی دهم، ۵ قضایه؛ حوزه ی یازدهم، ۴ قضایه؛ حوزه ی دوازدهم، ۲ قضایه؛ حوزه ی سیزدهم، ۱۰ قضایه؛ حوزه ی چهاردهم (روشن نیست)؛ حوزه ی پانزدهم ۸ قضایه؛ حوزه ی شانزدهم، ۸ قضایه؛ حوزه ی هفدهم، ۳ قضایه و مدیریت پولیس مبارزه با مواد مخدر، ۲۶ قضایه را در کارنامه ی مبارزه با مواد مخدرشان داشته اند.

این آمار نشان می دهد که در مقایسه با سال ۱۳۹۱، حوزه ی اول، ۵ قضایه؛ حوزه ی دوم، ۶ قضایه؛ حوزه ی چهارم، ۲ قضایه؛ حوزه ی پنجم، ۱۷ قضایه؛ حوزه ی هفتم، ۳ قضایه؛ حوزه ی دهم، ۱۸ قضایه؛ حوزه ی یازدهم، ۴ قضایه؛ حوزه ی سیزدهم، ۵ قضایه؛ حوزه ی پانزدهم، ۷ قضایه؛ حوزه ی هفدهم، ۳ قضایه و مدیریت پولیس مبارزه با مواد مخدر، ۱۲ قضایه ی بیش تر را بر دست آوردهای شان افزوده اند. در حالی که در فعالیت های حوزه ی ششم، ۵ قضایه؛ حوزه ی هشتم، ۵ قضایه؛ حوزه ی نهم، ۷ قضایه و حوزه ی شانزدهم، یک قضایه کاهش رونما شده است.

«به هیچ صورت، این فعالیت ها قناعت بخش نیستند و اگر امسال حوزه های پولیس کابل کدام دست آورد چشم گیر نداشته باشند، باید مورد پیگرد قرار بگیرند.»

بخشی دیگر از گفته های همان مقام افغان. در این میان، معینیت مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله به تازگی تلاش هایی را برای از پا در آوردن شبکه های قاچاق مواد مخدر در کابل، به راه انداخته است؛ برنامه ای که در نخست، بر بازداشت «خرده فروشان» تمرکز دارد.

امام الدین مطمئن، رییس واحدهای ویژه مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله می گوید که تنها در یک هفته، آنان توانسته اند ۲۵ «خرده فروش» را در پایتخت به دام بینانند.

«مشکلات انتخاباتی و دیگر مسایل، کار ما را عقب انداخت؛ اما این بار، عملیات ما دوام دار جریان دارد.»

... و اما در زمان تهیه ی گزارش، چیز جالبی که دریافتیم، این بود که معینیت مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله برای ردیابی و مبارزه با «خرده فروشان» مواد مخدر در کابل که شمارشان به ۴۰۰۰ می رسد، تنها ۱۰ نفر را در حوزه های پولیس کابل زیر اداره دارد!

سید مهدی کاظمی، مسئول دفتر مطبوعات معینیت مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله با تأیید این موضوع، تأکید می ورزد که آنان در تلاش دور ساختن این معضل هستند.

«هیچ عقل سلیمی حکم نمی کند که ۱۰ نفر پرسونل، در شهر شش میلیونی ای چون پایتخت افغانستان، بتوانند فعالیت همه جانبه داشته باشند. ما با افزایش کیفی و کمی، می کوشیم تا از قطعات عملیاتی بیش تر استفاده کنیم.»

۴۰۰ کیلوگرام تریاک در ولسوالی سربوی، ۳۵۰ کیلوگرام هیروین در منطقه ی کمپنی شهر کابل و ۱۲۰۰ کیلوگرام مواد مخدر در پُل چرخ، از محموله های بزرگی بوده اند که در عملیات های اخیر نیروهای مبارزه با مواد مخدر در پایتخت، به دست آمده اند.

۳۰۰ دالر و تا ۵۰۰ دالر هم می رسد. در یک ماه میشه سه، چهار، پنج هزار (دالر).»

مواد مخدری را که انتقال می دهد، در چند بسته ی کوچک که خودش آن را «کلچهی صابون های نیم کیلویی و یک کیلویی» می نامد، جاسازی می کند و آن ها را داخل یک خریطه ی پلاستیکی می گذارد؛ چنان که اگر چشم کسی هم به این خریطه بیافتد، گمان نمی برد که داخل آن همان چیزی باشد که افغانستان در تولید آن در جهان مقام نخست را دارد. رستم همیشه مسلح است! یک جنگ افزار کمری روسی را با خود دارد و می گوید که تاکنون، چند بار از آن کار گرفته است. «انسان است، باید احتیاط جان خوده کرد. از پولیس و این مردما، دلم جمع است که سرم بوی نمی برند. بیش تر با رقیب ها (قاچاق بران دیگر) درگیر می شویم. یک دفعه زخمی هم شدم، نزدیک بود بریم به پناه حق، هههههه.»

جای گلوله را برابرم نشان می دهد؛ سمت چپ سینه و نزدیک به قلبش! هشت ماه پیش، در یک کمین قاچاق بران، در بیرون از شهر کابل آماج قرار گرفته؛ اما جان به سلامت برده است. با این هم، ظاهراً از کارش راضی است! هیچ نشانه ای از دل گیری را در این سه روز، در صورتش نمی بینم. تنها چیزی که در چشم هایش همواره آشکار است، خوشی توأم با بی رحمی است!

«زندگی به مه یاد داده که باید همی رقم باشم. بسیار روزگار سخت گذشتاندم و حالی که رد پیسه ره یافتیم، به هیچ قیمت ایلاش نمی کنم.»

«بالاخره چطور میشه؟ در باره ی آینده چه برنامه داری؟»
در حالی که با سرعت از یک چهارراه پُر از پولیس می گذرد، می گوید:

«بر مه مهم امروز است. آینده را بمان که هرچه میشه، او به دست خداست. اینه چه بدانیم که یک دفعه در همی قسم یک چارراهی سر ما قیر کنند و بمیریم؟ هههههه.»

در شام گاه سومین روز، از رستم جدا می شوم. مرا در بخشی از وزیر اکبرخان پیاده می سازد؛ در حالی که آخرین گفته هایش را هم برابرم دارد.

«خودت ره دیدیم در تلویزیون. به حساب اعتبار «...» صیب در این چند روز همراهت بودم. مگر اندیوالی به جایش، اگر بفهمم که یک ذره هم به ضد مه کاری کرده باشی، هرچای باشی پیدایت می کنم. باز خودت می فهمی و این! (به آن گوشه ی موتر که جنگ افرازش را پنهان کرده، اشاره می کند) برو، الله یارت.»

۱۰ در برابر ۴۰۰۰

یافته های این گزارش می رسانند که هم اکنون، در ۸۰ بخش کابل، خرید و فروش مواد مخدر صورت می گیرد.

کارته ی نو، پُل چرخ، پُل سوخته، شهر کهنه، شهرنو، کوله پشتی، مکروریان ها، وزیر اکبرخان، تایمینی و خیرخانه، عمده ترین این بخش ها اند.

بر بنیاد این یافته ها، در حدود ۴۰۰۰ «خرده فروش» مواد مخدر (بخشی کوچک از ۳ میلیون نفری که در افغانستان به کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر می پردازند) هر روز ۱۵ تا ۲۰ کیلوگرام مواد را به بیش از ۱۰۰ هزار معنادی که در پایتخت به سر می برند، می فروشند؛ معنادانی که هر کدام شان دست کم سه دالر امریکایی را در یک روز، مصرف اعتیاد خویش می کنند و با این کار، هزینه ی همه ی معنادان کابل را، در یک روز، به ۳۰۰ هزار دالر می رسانند.

«حضور «خرده فروشان» در هر منطقه، نظر به شمار معنادان، در حال کم و زیاد شدن است. گاهی در یک منطقه، راپور می رسد که یک «خرده فروش» فعالیت دارد و گاهی هم شمارشان به ده ها و صدها تن می رسد. ما گزارش داریم که هر کدام این ها ۵ تا ۱۰ گرم هیروین را به شکل «پوری» نزد خود می داشته باشند تا هم آسان پنهانش کنند و هم اگر

معینیت مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله می‌گوید که از آغاز سال روان تاکنون، ۲۵۰ تن در چنین عملیات‌ها به‌دام افتاده‌اند.

مواد مخدر؛ معضلی دست‌چندم در افغانستان!

در دیدارهایی که در زمان تهیه‌ی این گزارش با شماری از مقام‌های افغان و خارجی داشتم، دریافتم که دست‌هایی از مدت‌ها پیش، در تلاش کاهش هرچه بیشتر توانایی‌های نهادهای مبارزه با مواد مخدر برآمده‌اند. چنان‌که اکنون، مواد مخدر در افغانستان، به یک معضل دست‌چندم مبدل شده است و بیش‌تر بر جدال با هراس‌افگنی و فساد اداری تأکید می‌شود تا چیزی دیگر.

– «بزرگ‌ترین منبع درآمد شورشیان، همین مواد مخدر است و ما خیلی متأسفیم که کابل دارد این مبارزه را به فراموشی می‌سپارد و حتا نهادهای مسئول این کار را به‌شدت ضعیف ساخته است.»

بخشی از گفته‌های یک مقام خارجی در کابل که در کار مبارزه با مواد مخدر سهم دارد، او می‌گوید:

«نظامیان افغان در چهارراه‌ها، بیش‌تر با این باور می‌ایستند که هراس‌افگنان را شناسایی کرده و از حمله‌های آنان جلوگیری کنند. برخوردشان در برابر دیگر مسایل، از جمله مواد مخدر، خیلی سطحی است. مثلا در کجا شما گواه این بوده‌اید که آنان کسی را از موترش به‌خاطر استفاده از مواد مخدر پایین کرده باشند؟»

به باور این مقام خارجی، معینیت مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله، یکی از نهادهایی است که دست‌های پنهانی در تلاش کاهش توانایی‌های آن برآمده‌اند. بخشی که در سال‌های پیش، ۶۰۰۰ کارمند داشت؛ اما با کاهش بیش از پنجاه درصدی‌ای که در تشکیل این اداره رونما شد، اکنون در کار رویارویی با باندهای مواد مخدر، به گونه‌ی جدی، به چالش کشیده شده است.

– «از تشکیل ۱۵۷ هزاری وزارت داخله، ما تنها ۲۵۵۰ نفر آن را می‌سازیم؛ یعنی دو درصد این تشکیل هم نمی‌شویم. مثلا در ولایتی چون هلمند که ۴۸ درصد مواد مخدر افغانستان را تهیه می‌کند، ما تنها ۷۵ نفر داریم.»

یک مقام افغان که می‌خواهد نامی از او نگیرم، با ابراز این گفته‌ها می‌افزاید:

– «قطعه‌ی ۸۰۰ نفری محو کشت کوکنار که بسیار مجهز بود، ما را به بهانه‌ی این‌که بودجه‌ی پنج میلیون دالری سالانه‌اش زیاد است، از بین بردند. قطعه‌ی هوایی محو کشت کوکنار را دادند به ریاست دفتر وزیر داخله و انتظار می‌رود بعد به وزارت دفاع داده شود. قطعات ۴۴۴ و ۳۳۳ که واحدهای خاص ما بودند، داده شدند به کار مبارزه با تروریزم. واحد ۲۵ نفری زون‌های ما را هم کاهش دادند و بردند در چوکات قومندانی‌های امنیه.»

به گفته‌ی مقام‌های افغان، در حال حاضر معینیت مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله حتا یک نفر را هم در چارچوب این نهاد برای محو کشت کوکنار ندارد و باید در این راستا، از نهادهای دیگر کمک بگیرد. – «طیاری ما را گرفتند؛ تجهیزات ما را گرفتند؛ پرسونل را گرفتند. همه‌ی این، تلاش‌های دست‌های پنهان مافیای در نظام است که می‌خواهند نیروی ما را بگیرند و ضعیف شویم.»

کاهش توانایی این نهادها باعث شده‌اند که در شمار ولایت‌های آلوده به کشت خشخاش نیز سال‌به‌سال افزایش رونق شود. در سال ۱۳۹۱ شمار این ولایت‌ها به ۱۶ می‌رسید؛ اما پارسال (۱۳۹۲) این رقم به ۱۷ افزایش یافت و امسال به ۱۹ رسیده است.

از سویی هم، آن‌چه که پشتیبانی‌های گسترده از قاچاق‌بران در افغانستان دانسته می‌شود، باعث شده که نیروهای افغان در کار آماج قرار دادن باندهای بزرگ، با دشواری‌های بسیار روبه‌رو باشند.

– «یکی را اگر می‌گیریم، ۱۰ زنگ تلفون می‌آید! از بلندپایه‌ترین مقام‌های دولتی هم تماس داشته‌ایم که گفته‌اند: رهایش کنید و از رهایی‌اش به ما اطمینان بدهید!»

با همه‌ی این‌ها، نهادهای دخیل در کار مبارزه با مواد مخدر که هر سال باید بین ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر را در پیوند با تولید و قاچاق مواد مخدر آماج قرار بدهند، در سه سال اخیر، بیش‌تر از این دست‌آورد داشته‌اند. در سال ۱۳۹۱، شمار کسانی که در این پیوند از سوی نیروهای افغان بازداشت شده بودند، به ۳۱۰۰ می‌رسید؛ اما در سال ۱۳۹۲، این رقم به ۳۲۶۰ افزایش یافت و امسال هم، تاکنون ۱۸۰۰ تن به‌دام افتاده‌اند.

دار و دسته‌های کابل

در کنار قاچاق مواد مخدر، پایتخت افغانستان، چیزهای دیگری را هم گواه است. چنان‌که در کابل، در هر ۲۴ ساعت، ۱۰ رویداد جرمی و جنایی رخ می‌دهد. پولیس کابل می‌گوید که بیش‌تر گروه‌های دخیل در این قضایا، «پیشرفته» عمل می‌کنند.

– «از سلاح‌های مختلف اسلحه می‌کنند! چه تفنگچه و کلاشنیکوف باشد و چه سلاح‌های مدرن امروزی. در ضمن، از شیوه و تکنالوژی و ارتباطات گسترده و نوین کار می‌گیرند. در حقیقت، تلاش می‌ورزند از هر راه ممکن، خود را از چنگال قانون نجات بدهند و آزادانه جرم و جنایت کنند.»

گفته‌های محمد فرید افضلی، رئیس تحقیقات جنایی کابل؛ مردی که به گفته‌ی خودش، ناچار است که از ساعت شش صبح تا پایان شب، درگیر مبارزه با دار و دسته‌های شهر باشد. قتل، آدم‌ربایی، دزدی، کلابرداری و ده‌ها رویداد دیگر، خواب را از چشمان او و زیر دستانش می‌گیرند. هرچند آقای افضلی بدین باور است که جرایم در کابل، در مقایسه با سال‌های پیش، کم‌تر شده است.

– «در گذشته، در یک هفته، در حدود ۷۰ تا ۸۰ رویداد رُخ می‌داد؛ اما اکنون ما شاهد استیم که از ۴۵ تا ۵۰ رویداد در یک هفته، اطلاع داده می‌شود.»

با این حال، دغدغه‌های پولیس کابل، هنوز پابرجا اند و تبهکاران این شهر، همواره در تلاش اند که از راه‌های گونه‌گون، فعالیت‌های‌شان را دنبال کنند. چنان‌که در هفته‌های اخیر، پولیس گروهی را به‌دام انداخته که با به‌کارگیری از تجهیزات خود پولیس، به دزدی‌های مسلحانه دست می‌زدند.

– «این باند را که یک نفرش خود را جنرال معرفی می‌کرد و با موتر رنجر و لباس پولیس، از خانه‌های مردم دزدی می‌کردند، شناسایی و گرفتار کردیم.»

۳۴۰ گروه

برخی از آمارهایی که از سوی منابع امنیتی در اختیارم قرار گرفته، نشان می‌دهند که نزدیک به ۳۴۰ گروه تبهکار در کابل فعال هستند. این گروه‌ها بیش‌تر چهارنفری و پنج‌نفری گفته شده؛ اما گاهی هم شمار افرادشان، ۲۰ تا ۳۰ تن تخمین زده می‌شود.

– «تلاش می‌کنند تا به شکل زنجیره‌ای با هم در ارتباط باشند و با این کار، به فکر خودشان، مافیایی را در کابل به‌وجود آورده‌اند.»

یک مقام امنیتی، افزون بر این گفته‌ها، «دست‌های بزرگ» را پشتیبان برخی از این گروه‌ها می‌داند.

– «همه‌ی‌شان نه؛ ولی دسترسی برخی‌های‌شان به سلاح و موترهای نظامی و دولتی، همین را نشان می‌دهد که کسانی حامی‌شان هستند.»

در کنار دیگر جرایم، دزدی‌های مسلحانه، از رویدادهایی اند که در کابل بیش‌تر برای مردم دردسرساز بوده‌اند؛ چنان‌که بسیاری از آنان ترجیح می‌دهند شب‌هنگام بیرون از خانه‌های خویش نباشند.

– «وقتی شب خانه را تنها بگذاریم، می‌ترسیم کسی وارد شده، مال‌های ما را ببرد. اولادها را هم بیرون نمی‌مانیم تا ناوقت شب، همه‌جا دزد است! در سرکه، در داخل موترهای شهری و هرجایی که فکر کنی، یک دو-سه نفر پیدا شده، لُجّت می‌کنند.»

گفته‌های عبدالله، مرد ۶۴ ساله‌ای که باشنده‌ی منطقه‌ی تایمنی است، او می‌افزاید:

– «همسایه‌ی ما، جوان بچه، از دفتر خانه می‌آمده؛ در داخل یک تکسی شهری، چند نفر سرش تفنگچه کشیدند که پیسه‌های تی بتی. او بیچاره پیشش پیسه کم داشته، چند چاقو زده بودند او ره که چرا پشت پیسه کم است.»

ظاهرا هیچ کس شبانه در کابل احساس امنیت نمی‌کند و با دلهره باید جاده‌ها و کوچه‌های شهر را پیموده، به خانه‌اش برسد.

– «صبح که از خانه می‌برایم، ترس از انفجار و انتحار داریم و شب که میریم طرف خانه، در همین ترس هستیم که کدام دزد و دغل، لیج ما نکنه.»

گفته‌های محمد، دکان‌دار ۴۰ ساله‌ای که در شهرنو کار می‌کند.

تنها مسافران موترهای شهری نه؛ بل کسانی که خودشان هم موتر دارند و حتا عابران، از آماج‌های اصلی تبهکاران کابل بوده‌اند. سید حسین سادات از خبرگزاری «ای‌بی» که در هفته‌های پیش موترش را دزدان مسلح با خود بُردند، در باره‌ی چگونگی آن رویداد می‌گوید:

– «شب‌هنگام، طبق معمول، پیش نانوائی‌ای که در نزدیک خانه‌ی ماست، موتر را نگهداشتم تا نان بخرم.

همین که نان را گرفتم و می‌خواستم سوار موتر شوم، چهار جوان مسلح راهم را گرفتند و با تهدید به این‌که بالایم شلیک خواهند کرد، موترم را گرفته و با خودشان بردند؛ در حالی که پوسته‌ی پولیس هم در صدمتری ما وجود داشت.»

مریم، دختر ۲۳ ساله‌ای که کارمند یکی از نهادهای خارجی است، هنوز هم ترس رویدادی را با خود دارد که در آن دو مرد موترسایکل سوار، بکس او را که در آن وسایل کاری و تیلفون‌هایش بودند، در یکی از مزدحم‌ترین بخش‌های کابل، از دستش ربودند.

– «ساعت چهار عصر بود و پیاده به‌سوی خانه می‌رفتم که در کارته‌ی پروان، یک موترسایکل با سرعت طرفم آمد و تا سر مه بلند کردم و خواستم خود ره گوشه بکشم، بکسم را از دستم چور کردند و رفتند.»

شکار «شکارچیان»

یکی از شب‌های پاییزی است و سرما، آهسته آهسته بر فضای کابل مسلط می‌شود. کنار یکی از جاده‌هایی که از تایمنی به پروان دوم و کارته‌ی پروان می‌انجامد، در میان چند نفری که منتظر موترهای شهری اند، کسی هم دیده می‌شود که دورتر از دیگران ایستاده است.

چندین شب می‌گذرد که وی در جاده‌ها سرگردان است و می‌خواهد موتری را بیابد که سرنشینان آن، از تبهکاران کابل باشند و از این راه، بتواند آنان را از نزدیک ببیند؛ هرچند تاکنون به این هدفش دست نیافته است. هیچ‌چیزی در جیب‌هایش نیست، به‌جز مقداری پول؛ زیرا قصه‌ی همسایه‌ی عبدالله را به‌یاد دارد و می‌داند که بی‌پولی هم، برای باشندگان کابل، خطرناک است!

بلی، این فرد «من» هستم و ساعت‌هاست که می‌خواهم شکارچیانی را شکار کنم که منتظر به‌دام انداختن ده‌ها تنی چون من اند. در نهایت، یک موتر کرولا‌ی سیاه‌رنگ از راه می‌رسد و پیش پای من که جدا از دیگران ایستاده‌ام، توقف می‌کند. به داخل نگاه می‌کنم و می‌بینم که دو سرنشین دارد؛ یکی پهلوی راننده نشسته و دیگری هم در عقب.

می‌پرسم:

– «کجا؟»

راننده می‌گوید:

– «تو کجا میری؟»

همان پاسخی است که انتظارش را دارم! برایم گفته‌اند که ماجراها، همواره چنین آغاز می‌شوند. در حالی که در را باز می‌کنم تا کنار همان جوانی که در عقب موتر است، بنشینم، می‌گویم:

– «من یک چهارراه بالاتر پایین می‌شم.»

موتر حرکت می‌کند! همه سکوت کرده‌ایم و من – بی‌صبرانه – منتظرم که ببینم حدمس درست از آب درمی‌آید یا نه!

زیرچشمی نفر پهلوی‌ام را می‌بینم و بعد نفر جلویی را با راننده می‌پایم. هرسه‌شان کم‌تر از سی سال دارند و از صورت و لباس‌های‌شان پیداست که باشنده‌ی اصلی کابل نیستند. از یک ایست بازرسی پولیس که می‌گذریم، ناگهان صدای آشنای کشیده شدن «گیت» تفنگچه را می‌شنوم. صدا از چوکی جلو، پهلوی راننده است؛ اما هنوز هم خبری نیست. در حالی که حوصله‌ی من سر رسیده است!

کمی دیگر که جلو می‌رویم، تا می‌خواهم ببینم نفر پهلومی مصروف چه کاری است، می‌بینم که او یک چاقوی بزرگ را به پهلومی می‌گذارد:

– «شور نمی‌خوری، فهمیدی؟»

متوجه می‌شوم که نفر جلو هم به عقب برگشته و تفنگچه را به طرف من گرفته است:

– «زود، زود شو، پیسه‌هایت را بکش!»

درست همان چیزی را گواهم که از زبان دیگران شنیده‌ام و حال دیگر نوبت من است تا نقش بازی کنم.

با سراسیمگی ساختگی می‌گویم:

– «پیسه؟ خو، خوبه.»

نفر پهلویم با خشونت می‌گوید:

– «صبر، مه خودم می‌بینم.»

با سرعت جیب‌هایم را می‌پالد و پول‌هایم را کشیده، به نفر جلو می‌دهد.

– «کجاست، موبایل‌هایت؟»

– «موبایل ندارم!»

نفر جلو (با لحن تند):

– «نداری؟ جوان آدم، بی موبایل می‌گرددی در شهر؟ ای پیسه تو ره ببین به‌خدا، همی دو-سه هزار هم پیسه است؟»

به زحمت جلو خنده‌ام را می‌گیرم:

– «ولا غریب مردم استیم، چه کنیم دیگه؟»

نفر پهلو:

– «خو مقصد اگر گیر کردم پشت، پیسه یا موبایل که پُت کرده باشی، باز گله نکنی.»

دوباره به پالین جیب‌هایم می‌پردازد و همین که چیزی گیرش نمی‌آید، خودش را کمی عقب می‌کشد.

– «فقتم که ندارم موبایل! از شما کرده زیاد نیست. مگم چرا این کارها ره می‌کنیدی؟ حیفتان نکرده؟»

با خشونت می‌گوید:

– «به تو غرض نیست. از همی چهارراهی (چهارراه پروان دوم) که تیر شدیم، پاینت می‌کنیم و تشله واری رخصت استی.»

راننده به حرف می‌آید و جوابم را می‌دهد:

– «همی رقم دولت و همی رقم حساب که حق شه بتیم. کُل مردهم از گشنگی و بی‌کاری کشتندا!» حیرت‌زده می‌گویم:

– «یعنی قصور دولت ره از مردم می‌کشیدی؟»

تا می‌خواهد چیزی بگوید، نفر پهلوی‌ام با دسته‌ی چاقو روی شانهم می‌زند و می‌گوید:

– «گپ زن! برو دیگه، زود پایین شو!»

می‌بینم که به چهارراه رسیده‌ایم؛ در حال پایین شدن هستم که نفر پهلو، باز پُرحرفی‌اش را شروع می‌کند:

– «هستقیم میری و پشتت ره هم نمی‌بینی! برو خوش باش که تو اولین نفر هستی که جور و سالم از پیش ما خلاص شدی.»

همین که پایین می‌شوم، موتر به‌سرعت دور می‌زند و به‌سوی کلوله پشته می‌رود.

من هم دست‌هایم را داخل جیب‌های خالی‌ام می‌کنم و با سرعت به‌راه می‌افتم. باید زودتر به خانه برسم و – تا جزئیاتش از یادم نرفته – این ماجرا را هم درج گزارشم بسازم.

چهارگلد

یادداشت‌های سخیدادهااتف

گناه خودشان است

یکی از دین‌هایی که به ذات خود عیبی ندارند،

گریه کرد. این دین که از بس زیبا بود، مثل ماه

چهارده می‌درخشید، به خبرنگاران گفت که من

هیچ وقت از پیروان خود نخواسته‌ام که با دیگران

بدرفتاری کنند. وی با اشاره به گروگان‌گیری

شهر سیدنی در استرالیا گفت:

«در این مورد من باز همان سخن قبلی خود را

تکرار می‌کنم و آن این است که خداوند مردم

را در شعب و قبایل مختلف آفرید تا هم‌دیگر

را بشناسند. حالا عده‌ای از برادران رفته‌اند

و در رستوران‌ت مقداری شعوب و قبایل را

شناسایی کرده‌اند و گروگان گرفته‌اند، که کار

درستی نیست. اول باید با آن‌ها می‌نشستند،

نصیحت‌شان می‌کردند و از طریق جدال احسن

متقاعدشان می‌کردند که به دین مبین ایمان

بیاورند. بعد بشارت‌شان می‌دادند. مثلا می‌گفتند

که در آن دنیا شیر از جوی می‌آید و خرما آن قدر

زیاد است که یا خدا. می‌گفتند که غذاهایی که

در آن رستوران‌ت صرف می‌شوند، در مقابل جوی

شیر هیچ‌اند و از این قبیل. بعد نوبت به ترساندن

می‌رسید. می‌گفتند که اگر ایمان نیاورید، خدا از

شما خفه می‌شود. از آتش و اژدها و فشار قبر

می‌ترساندندشان. بعد، اگر به هیچ طریقی به راه

راست نمی‌آمدند، آن وقت می‌شد پدر آن شعوب

و قبایل را به‌صورتی بسیار دراماتیک در بیاورند

از قبر و پیش چشم آن پدرلعت‌ها بگذارند.

متأسفانه این کار را نکردند و این شد که دیدید.»

وی در پاسخ به این سوال خبرنگار که آیا در

اسلام مردم باید به زور مسلمان شوند، گفت:

«این یک سوء تفاهم است. ما به تمام شعوب و

قبایل گفته‌ایم که راه هدایت از راه گمراهی کاملا

روشن شده است. هیچ اکراهی در کار نیست.

این‌که شما کدام راه را انتخاب می‌کنید، کاملا

بستگی به اراده‌ی خود شما دارد که در دست

خدای متعال است. در ضمن، شما فکر می‌کنید

این‌هایی که راه ضلالت را برمی‌گزینند، آدم‌اند؟»

جلسه‌ی کنفرانس مطبوعاتی با تلاوت آیاتی چند

از کلام‌الله مجید به پایان رسید.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای‌متعلمین‌ومحصلین	
6 Months	100\$ USD	۲۵۰۰ افغانی	نشن ماهه	۷۵۰ افغانی	سه ماهه
Annual	180\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	یک سباله	۱۳۰۰ افغانی	نشن ماهه
				۲۵۰۰+افغانی	یک‌ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسؤلیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



Reza Farzam



سوال این است که منابع تمویل برای پیش برد جنگ، از کجا و چگونه در اختیار تروریستان قرار می‌گیرد؟ برای پاسخ به این سوال، جواب‌های متعدد وجود دارند؛ اما به صورت مشخص به دو فکتور مهم داخلی اشاره می‌کنم. اول، اقتصاد جنگ، اقتصاد سیاسی مواد مخدر و در مجموع اقتصاد غیرقانونی، همواره منابع اصلی برای تمویل تروریسم و فعالیت‌های غیرقانونی مسلحانه در کشور اند. یک بخش کلان از درآمدهای حاصل از این بخش به تروریستان و شبکه‌های هراس‌افکن انتقال می‌یابد. متأسفانه تلاش‌های دولت و جامعه‌ی جهانی برای کنترل اقتصاد مواد مخدر، بنا به دلایل مشخص، به طرز ناامیدکننده‌ای به بن‌بست رسیده‌اند. تا زمانی که این بخش تحت کنترل آورده نشود، تروریستان به مشکل کمیود پول مواجه نمی‌شوند.

دوم، سیستم مالی غیررسمی (مشخصاً سیستم حواله‌داری) گسترده در کشور است که اکثریت از معاملات پولی غیرقانونی، به‌خصوص پول شویی و تمویل تروریسم از این طریق صورت می‌گیرد. بخش گسترده‌ی معاملات پولی از طریق سیستم بانک‌داری رسمی نه، بلکه از طریق سیستم غیررسمی صورت می‌گیرد و دولت کمترین کنترل بر این بخش اقتصاد کشور ندارد. یک بخش عمده‌ی منابع پولی برای تمویل تروریسم و پیش‌برد جنگ، بدون دغدغه از این طریق در اختیار تروریستان در سراسر کشور قرار می‌گیرد.

بنابراین، ایجاد امنیت و ثبات پایدار در کشور ممکن نیست، مگر این که دولت در راستای کنترل اقتصاد غیرقانونی؛ مانند اقتصاد مواد مخدر و از بین بردن سیستم مالی غیررسمی، به موفقیت‌های چشم‌گیر برسد.

عظیم بشرمل

جغرافیای افتخار



افغانستان جغرافیای افتخار است. از سر و صورتش افتخار می‌بارد. اولین متفکر جهان «نواندیش»، دومین متفکر جهان «غنی» و نابعی دنیا «سید جلال» از ما اند. احمد شاه بابا و ظاهر شاه بابای ملت و مسعود قهرمان جنگ سرد و خلیلی خردمند سیاسی در همین کوچه‌ها و پس کوچه‌ها و کوه‌ها و دره‌های سراپا افتخار به دنیا آمده‌اند. باز هم در این روزها افتخاری نصیب این جغرافیای سراپا افتخار شد و... اما نمی‌دانم با این همه افتخار چرا لقمه‌ی نان‌مان را روزانه از WFP به‌دست می‌آوریم، امنیت زنان مان را مایکل و ماری خارجی تأمین می‌کنند، لب سرک از سرما و گرسنگی می‌میریم؟ نمی‌دانم این پرسش را باید «عالم علم سیاست» و «متفکر پریشان‌حال» و «شیخ‌الحدیث جهان اسلام» و «امیر مؤمنان مجاهدان» کشورهای اسلامی پاسخ دهد. خوش‌بختانه کم متفکر و مفسر و عالم دین نداریم. شاید تا هنوز کسی نپرسیده است. من متعجب و گیج مانده‌ام.

Mukhtar Wafayee

به شما ممله می‌کنیم!



موجی از نیروهای انتحاری گروه القاعده و طالبان از مدارس پاکستان، به افغانستان سرازیر شده و قرار است در سرمای فصل زمستان، حملات گسترده‌تری را متمرکز به شهرهای افغانستان انجام دهند.

در این حملات نیروهای امنیتی، مقام‌های دولتی، نمایندگان مجلس، بزرگان قومی، رسانه‌ها و گروه‌های فرهنگی که جنایات تروریستان را تقبیح می‌کنند هدف قرار خواهند گرفت.

در تازه‌ترین مورد، مزار شریف، امن‌ترین نقطه‌ی افغانستان نیز محور توجه تروریستان منطقه‌ای قرار گرفته و عملیات دهشت‌افگنی در این شهر نیز روی میز سیزده‌جویان القاعده و طالبان است. بر این اساس، روزهای دشواری در پیش خواهیم داشت.

من نگرانم. نگران خودم و شما.

امیدوارم هیچ‌کسی این هشدارها را سطحی نگیرند، به‌خصوص نیروهای بیدار امنیت ملی، پولیس ملی و ارتش ملی. برای همه‌ی ما عمر طولانی و برای دهشت و تروریسم مرگ و نابودی آرزو می‌کنم.

خالق ابراهیمی



می‌گویند وقتی داوود خان کودتا کرد، محمود خان اچکزی در پاکستان سخت گریست و گفت: «د پختنو کلی وران شو». کلی، قریه یا روستا معنا می‌دهد؛ اما اگر این جمله او را به فارسی برگردان کنیم، «خانه/

سرزمین پشتون‌ها ویران شد» معنا می‌شود. اگر پشتون‌های این سوی دیورند بر کبکبه و تاج و تخت سوار بودند؛ اما در آن سوی مرز «روزگار خوش» نداشتند. لذاست که افغانستان «خانه‌ی امن» پشتون‌های هردو سوی مرز بود و اکنون نیز چنین است. در شهر جلال‌آباد، در یک برنامه‌ی شعرخوانی شرکت کردم.

تقریباً اکثر شاعران در مورد پشتون و پشتونستان و یک‌جای کردن کابل و پشاور شعر می‌گفتند. برای من بسیار جالب بود که در آن‌جا کسی از «افغانیت» و «اسلامیت» سخن نمی‌گفت. مدینه‌ی فاضله‌ی هر پشتون تحصیل‌کرده، «پشتونستان» است. به نظر من، دیورند با تقسیم کردن پشتون‌ها در دو سوی خط، بزرگ‌ترین ظلم را در حق پشتون‌ها و بقیه اقوام خراسانی کرد. بر پشتون‌ها ظلم شد؛ چون یک ملت را دو پارچه کرد. بر بقیه اقوام این کشور ظلم شد؛ چون اکثریت یک پارچه و مستبد را بر سرنوشت‌شان حاکم کرد. اکنون با گذشت بیش از یک قرن، نتوانستیم مشکل دیورند را حل کنیم، بعد از این هرگز!

پ.ن: سخنرانی کوتاه به مناسبت بی‌مضمونی بود.

۱۵ نشانه‌ی سرطان که آقایان نادیده می‌گیرند!



خطرناک باشد.

مشکل در بلعیدن و خوردن

مشکلی که در زمینه‌ی بلعیدن و فرودادن غذا رخ می‌دهد، می‌تواند نشانه‌ی سرطان دستگاه گوارش، مثلاً سرطان مری باشد.

تغییرات پوستی

اکثر ما می‌دانیم که تغییرات خال‌های گوشتی و خال‌های سیاه نشانه‌ی مشخص سرطان پوست هستند. خون‌ریزی یا پوسته پوسته شدن بیش از حد پوست نیز یکی از علائم خطرناک می‌باشد. هرچند تعیین کردن این‌ها که چه مدت این مشکلات طول بکشد، مشکل است؛ اما پزشکان معتقدند، اگر این علائم بیش‌تر از چند هفته طول بکشند، می‌بایست حتماً به پزشک مراجعه کرد.

خون‌ریزی غیرطبیعی

هر زمانی که در بخش‌هایی از بدن خود که سابقه نداشته و منطقی نیست، خون‌ریزی دیدید، به پزشک مراجعه نمایید. بالا آوردن خون، خون در آب دهان، خون در ادرار و خون در مدفوع از نشانه‌های خطرناک می‌باشند. به‌طور مثال، خون در مدفوع می‌تواند نشانه‌ی ابتلا به سرطان کولون (روده‌ی بزرگ) باشد.

تغییرات دهانی

همه، به‌خصوص افراد سیگاری همیشه باید نسبت به تکه‌های سفید درون دهان‌شان یا نقاط سفید بر روی زبان‌شان حساس باشند؛ چرا که هر دو این نشانه‌ها می‌توانند عوامل پیش‌سرطانی، به‌نام لکوپلاکیا باشند.

سوء هاضمه

سوء هاضمه بدون هیچ دلیلی خطرناک است و می‌تواند نشانه‌های اولیه‌ی بیماری‌های خطرناکی چون سرطان مری، معده یا دهان باشد.

مشکلات ادراری

هرچه سن مردان افزایش می‌یابد، مشکلات ادراری شامل افزایش تعداد دفعات ادرار (به‌خصوص در شب)، احساس نیاز به ادرار کردن، احساس خالی نشدن کامل مثانه، عدم توانایی در ادرار، ریختن ادرار هنگام خندیدن یا سرفه یا ضعف شدت ادرار کردن بیش‌تر می‌شوند.

هر مردی با افزایش سن دچار این مشکلات می‌شود. اما در صورتی که به این مشکلات دچار شدید، باید به پزشک مراجعه کنید؛ چرا که ممکن است این مشکلات ناشی از سرطان پروستات باشند. پزشک با انجام آزمایش از این‌ها که شما به این سرطان مبتلا هستید یا خیر، اطمینان حاصل می‌کند. (برترین‌ها)

را جدی نمی‌گیرید. هرچند این سرطان در آقایان معمول نیست؛ اما امکان رخ دادن آن وجود دارد. هر توده در نواحی پستان آقایان باید با دقت بررسی شود. هم‌چنین جامعه‌ی سرطان آمریکا چندین علامت خطرناک دیگر به جز توده‌ی سرطانی در این ناحیه را مورد اشاره قرار می‌دهد، این نشانه‌ها شامل این‌ها اند:

فرورفتگی و یا چروک پوست سینه

داخل رفتن نوک پستان

سرخ شدن یا پوسته پوسته شدن پستان

ترشحات چرکی از پستان

زنان شانس بهتری برای درمان سرطان و شفا یافتن دارند. بعضی از نشانه‌های سرطان مخصوص مردان اند که این علائم به‌راحتی نشان‌دهنده‌ی مشکل در بعضی از قسمت‌های بدن بوده و قابل تشخیص می‌باشند. بعضی از نشانه‌های سرطان در مردان، مخصوص اند. این علائم به‌راحتی نشان‌دهنده‌ی مشکل در بعضی از قسمت‌های بدن می‌باشند، اما بقیه‌ی انواع سرطان و علائم‌شان، ممکن است گنگ بوده و به‌راحتی قابل تشخیص نباشند.

درد

هرچه افراد سن‌شان بالا می‌رود، میزان انواع درد و خشکی در آن‌ها بیش‌تر می‌شود. هرچند درد نشانه‌ای مبهم و پیچیده است و معمولاً بیش‌تر انواع درد نشانه‌ی سرطان نیستند، اما با این حال امکان دارد بعضی از انواع درد نشانه‌های اولیه‌ی ابتلا به سرطان در آقایان باشند. طبق توصیه‌ی جامعه‌ی سرطان آمریکا، هر درد ادامه‌دار و مزمن باید توسط پزشک بررسی شود. حتی اگر مشکل و درد شما از سرطان نباشد، بازهم شما از مراجعه به دکتر سود می‌برید، چرا که ممکن است پزشک بتواند برای درد شما و مشکلی که باعث آن شده، درمانی مناسب پیدا کند.

تغییرات در بیضه‌ها

سرطان بیضه معمولاً بین سنین ۲۰ تا ۳۹ سال در آقایان رخ می‌دهد. جامعه‌ی سرطان آمریکا توصیه می‌کند که مردان مرتب برای ابتلا به این سرطان آزمایش داده و هم‌چنین خودشان نیز ماهانه نشانه‌های ابتلا به این سرطان را بررسی نمایند. هر تغییر در سایز بیضه‌ها، از قبیل رشد یا کوچک شدن آن‌ها، می‌تواند نگران‌کننده باشد. به علاوه هرگونه ورم، برجستگی یا احساس سنگینی در کیسه‌ی بیضه نیز باید مدنظر قرار داد. اگر هرگونه توده‌ی سختی در بیضه‌ی خود احساس کردید، سریعاً به پزشک مراجعه نمایید.

تغییرات در غدد لنفاوی

اگر هرگونه برجستگی یا ورم در غدد لنفاوی خود که زیر بغل، روی گردن و جاهای دیگر بدن‌تان وجود دارد، حس کردید باید نگران شوید. اگر غده‌ی لنفاوی شما به تدریج بزرگ می‌شود و هم اکنون بزرگ‌تر از یک‌ماه پیش است، باید به پزشک مراجعه نمایید. دکتر غدد لنفاوی شما را بررسی کرده و مشخص می‌کند مشکل شما به دلیل سرطان است یا به مشکل دیگری همچون ورم غدد لنفاوی دچار شده‌اید.

توده‌ی پستان

اگر شما مثل اکثر آقایان فکر می‌کنید، احتمالاً هیچ‌گاه خطر ابتلا به سرطان پستان در آقایان

اگر شما بدون دلیل دچار تب شدید، ممکن است این تب نشان‌دهنده‌ی ابتلا به سرطان باشد، البته تب می‌تواند نشانه‌ی مشکلات دیگری همچون ذات‌الریه یا عفونت باشد. خیلی از انواع سرطان در مراحل رشدشان ممکن است باعث تب شوند؛ برای مثال انواع سرطان‌های خون شامل لوسمی و لنفوم باعث ایجاد تب می‌شوند.

کاهش وزن غیرعادی

در صورت از دست دادن ۱۰ درصد وزن بدن در ۳ تا ۶ ماه، بدون این‌که ورزش کنید، یا رژیم بگیرید، باید حتماً به پزشک مراجعه کنید؛ وی معتقد است که این کاهش وزن تا زمانی که خلافتان ثابت نشده، نشانه‌ی سرطان است. از پزشک‌تان بخواهید که شما را آزمایش یا حتی سی‌تی اسکن کند تا معلوم شود که کاهش وزن شما نشانه‌ی سرطان است یا مشکلات دیگر، مثلاً تیروئید پرکار!

درد شدید شکمی و افسردگی

بعضی از پزشکان معتقد اند، هر مردی که درد شدیدی در ناحیه‌ی شکم دارد و احساس افسردگی هم می‌کند، نیاز به معاینه دارد؛ چرا که بعضی تحقیقات نشان می‌دهند، بین سرطان پانکراس و افسردگی ارتباطی وجود دارد.

خستگی

خستگی و فرسودگی می‌تواند یکی از نشانه‌های مبهم سرطان باشد. این خستگی ممکن است ناشی از رشد غده‌ی سرطانی بوده و می‌تواند نشان‌دهنده‌ی ابتلا به بعضی از سرطان‌ها؛ مانند سرطان خون، سرطان معده یا سرطان روده‌ی بزرگ باشد.

سرفه‌های مداوم

هرچند که سرفه معمولاً از نشانه‌های بیماری‌هایی چون سرماخوردگی، آنفلوانزا و حساسیت بوده یا حتی از عوارض جانبی بعضی از داروها می‌باشد؛ اما سرفه‌ی طولانی‌مدت که بیش‌تر از ۳ تا ۴ هفته طول بکشد، به‌خصوص در افراد سیگاری، می‌تواند



آریونل روبنال دو، لقب جدید بایرنی‌ها برای روبن

آریون روبن با دو گول تماشایی که دیروز در دربی ایالت باواریا بین بایرن و آگسبورگ به ثمر رساند، آمار گول‌های خود را در فصل جاری بوندسلیگا به عدد هشت رساند و تیمش در نهایت موفق شد با نتیجه‌ی مقتدرانه‌ی ۴ بر صفر پیروز میدان شود. پس از این دیدار، کارل هاینس رومنیگه، نایب رییس بایرن با ستایش عملکرد هافبک هالندی تیمش گفت: «آریون برای من بهترین بازیکن دنیاست». پپ گواردیولا هم گفت: «یک بازیکن حرفه‌ای؛ یک بازیکن فوق‌العاده؛ از داشتن بازیکنی با این همه توانایی خوشحالم».

روبن به این تمجیدها این‌گونه پاسخ داد: «خوشحالم، ولی فکر می‌کنم بازیکنان دیگری هستند که از من بهترند». نایب رییس بایرن معتقد است اگر از مانویل نویر که دروازه‌بان است، صرف‌نظر کنیم، روبن بهترین بازیکن فوتبال دنیاست. گرچه کریستیانو رونالدو از ربال مادرید

و لیونل مسی از بارسلونا دو فوتبالیستی هستند که در کنار نویر کاندیدهای نهایی کسب توپ طلای جهان قلم‌داد می‌شوند. در فصل جاری هواداران بایرن بهترین روبن تمام اعصار را مشاهده می‌کنند. او اخیراً به‌ندرت دچار مصدومیت می‌شود و از همیشه حرفه‌ای‌تر شده است. او در دور برگشت فصل ۱۳-۲۰۱۲ که بایرن سه جام قهرمانی بوندسلیگا، حذفی آلمان و چمپیونزلیگ را از آن خود کرد، درخشش خیره‌کننده‌ی داشت و با گولی که در فاینل چمپیونزلیگ مقابل دورتموند به ثمر رساند، موجب پیروزی باواریایی‌ها شد. این بازیکن سی ساله در فصل جاری هشت گول در بوندسلیگا و دو گول در لیگ قهرمانان وارد دروازه‌ی حریفان بایرن کرده است و نباید فراموش کرد که هنوز در دور رفت این رقابت‌ها به‌سر می‌بریم. در دو بازی بوندسلیگایی برابر گلادباخ و هامبورگ که بایرن به نتیجه‌ی بهتر از تساوی بدون گول دست نیافت، روبن در ترکیب قرار نداشت تا بتواند گول بزند یا حداقل پاس گول بدهد. در مقایسه با لالیگای اسپانیا، مسی ۱۳ گوله است و رونالدو ۲۵ بار دروازه‌ی حریفان ربال را گشوده که آماري کم‌نظیر در نوع خود به شمار می‌رود. رومینیگه با اشاره به این قیاس افزود: «او هنوز کاملاً به یک آریونل روبنال دو تبدیل نشده». ماتیاس سامر هم از موج تحسین این هافبک هالندی عقب نماند و گفت: «او بازیکن خیلی خیلی مهمی برای تیم ماست. او ژن پیروزی دارد؛ جاه‌طلب است و همیشه حرفه‌ای تمرین می‌کند».

دخیا: برای قهرمانی می‌جنگیم

دیوید دخیا، دروازه‌بان منچستر یونایتد پس از پیروزی ۳-۰ تیمش مقابل لیورپول معتقد است که تیمش در فصل جاری برای کسب جام می‌جنگد. گول‌های رایین فان‌پرسی، خوان ماتا و وین رونی باعث شد تا شاگردان فان‌خال بتوانند یک‌شنبه شب مقابل رقیب دیرینه‌ی خود پیروز شوند. البته دیوید دخیا، ستاره‌ی بازی بود و با عکس‌العمل‌های فوق‌العاده‌ای که از خود به نمایش گذاشت، به عنوان بهترین بازیکن زمین انتخاب شد.

بنیتس: مشکل ناپولی تاکتیکی نیست

رافا بنیتس، سرمربی ناپولی مدعی شد که در شکست تیمش مقابل میلان، آن‌ها مشکل تاکتیکی نداشته‌اند. روند شکست‌ناپذیری‌های ناپولی یک‌شنبه شب با شکست ۲-۰ مقابل میلان در سن سیرو شکسته شد، دیداری که ناپولی از سال ۲۰۱۱ در آن شکست نخورده بود. عملکرد ضعیف هیگواین و درگیری او با هم تیمی‌ها و داور، مورد انتقاد بنیتس قرار گرفت و او گفت که تیمش مشکل تاکتیکی ندارد. بنیتس در جمع خبرنگاران گفت: «بازی را خیلی بد شروع کردیم و تیم به گول‌های خورده‌اش در نیمه‌ی دوم واکنش داد؛ ولی

اشمایکل: نویر در رقابت با رونالدو پایین تر است

پیتر اشمایکل، دروازه‌بان سابق منچستر یونایتد مدعی شد که مانویل نویر به هیچ‌وجه نمی‌تواند در رقابت با رونالدو به توپ طلا برسد. اشمایکل از حضور یک دروازه‌بان در لیست ۳ نفره‌ی نهایی فیفا برای توپ طلا ابراز خوشحالی کرد، ولی رسیدن آن به مانویل نویر را غیرممکن دانست. او گفت: «چگونه یک نفر به جز رونالدو می‌تواند آن را ببرد؟ خیلی خوب است که یکی از ۳ نفر دروازه‌بان است، ولی فکر نمی‌کنم نویر این بار بتواند آن را به‌دست آورد. فکر می‌کنم رونالدو بسیار خوب بوده و آن را به‌دست خواهد آورد. خیلی وقت بود

طرفه رفتن فان‌خال از صحبت در باره‌ی آینده‌ی دخیا

لوئیس فان‌خال، سرمربی منچستر یونایتد پس از عملکرد خیره‌کننده‌ی دخیا در دیدار مقابل لیورپول، از صحبت کردن در باره‌ی آینده‌ی او در این باشگاه سز باز زد. دخیا در چندین صحنه مقابل بالوتلی و استرلینگ، عکس‌العمل‌های فوق‌العاده‌ی داشت و مهم‌ترین عامل یونایتد در پیروزی مقابل لیورپول بود. بسیاری او را جانشین ایگر کاسیاس در مادرید می‌دانند و معتقدند، ربال به هر نحوی او را به خدمت خواهد گرفت. فان‌خال در جمع خبرنگاران گفت: «فکر

کاسیاس: در مراکش احساس بودن در خانه را داریم

ریال مادرید یک‌شنبه شب برای شرکت در جام جهانی باشگاه‌ها وارد کشور مراکش و شهر رباط شد. ریال مادرید در دوره‌ی جدید این مسابقات برای اولین بار حاضر می‌شود. ربالی‌ها پس از ورود به مراکش، در میان استقبال هواداران‌شان در هتل سوفیتل مستقر شدند. «ایگر کاسیاس»، کاپیتان کهبشانی‌ها در مصاحبه با وب‌سایت فیفا، در مورد شرایط ریال مادرید چنین گفت: «تازه وارد مراکش شده‌ایم و باید بگویم که جو

قرعه‌کشی مرحله‌ی

یک‌هشتم نهایی چمپیونزلیگ

قرعه‌کشی لیگ قهرمانان، شب گذشته انجام شد و تیم‌ها، رقبای خود برای مرحله‌ی یک‌هشتم را شناختند. مطابق سال‌های گذشته، تیم‌های صدرنشین، در یک گروه و تیم‌های دوم هر گروه در گروه دیگری قرار گرفتند. در ابتدا کارل هاینز ریدله از قهرمانی در چمپیونزلیگ به همراه دورتموند صحبت کرد و عنوان کرد که یکی از بزرگ‌ترین افتخارات زندگی‌اش بوده است. سپس جورجیو مارتینی، رییس برگزاری لیگ قهرمانان، در باره‌ی نحوه‌ی قرعه‌کشی توضیحاتی به حضار ارائه کرد و پس از آن قرعه‌کشی انجام شد که بازی‌ها به شرح زیر اند:

جلسی-پاریس سنت جرمن

بارسلونا-منچسترستی

اتلتیکومادرید-لورکوزن

دورتموند-بیوتوس

ریال مادرید-شالکه

بایرن مونیخ-شاختر دونتسک

آرسنال-موناکو

پورتو-بازل

دیدارهای دور رفت در تاریخ ۲۸ و ۲۹ قوس و هم‌چنین ۵ و ۶ جدی برگزار خواهند شد و دیدارهای دور برگشت، در تاریخ ۱۹، ۲۰، ۲۶ و ۲۷ جدی برگزار خواهند شد.

بوترانگیو: ۹۰ دقیقه‌ی آلمان بسیار خطرناک است

امیلیو بوتراگنیو در مورد جدال تکراری ریال مادرید و شالکه در یک‌هشتم چمپیونزلیگ چنین گفت: «مسئله قرعه‌ی بدی نبود و ما طبعاً خوش‌بین هستیم. از سال گذشته خاطره و البته تجربه‌ی خوبی داریم. در همان بازی رفت کار را تمام کردیم. اما فوتبال ورزش بی‌رحمی است. شالکه ورزشگاه بزرگ و هواداران پرشوری دارد. آن‌ها بدون شک حریف ساده‌ای برای ما نخواهند بود. ۹۰ دقیقه بازی رفت در آلمان، بسیار خطرناک است و باید سعی کنیم نتیجه‌ی مطلوبی در آن بازی کسب کنیم تا کار برای بازی برگشت ساده‌تر باشد. امیدوارم برای قرعه‌کشی یک‌چهارم، بار دیگر به نیون برگردم».

بیل چگونه گران‌ترین بازیکن دنیا شد؟

می‌دهند. من قبل از بازی استرسی ندارم. آرام هستم و به بازی کردن طبیعی خودم فکر می‌کنم. طوفانی آغاز کنید خیلی خوب است که همیشه با یک کنترل خوب بازی را آغاز کنید. باید بهترین زمان را برای دویین در منطقه‌ی دفاعی حریف انتخاب کنید. اگر یک مدافع ده‌ی اول شما را مغلوب کرد، زیاد به آن فکر نکنید و فقط به توانایی‌تان اعتماد کنید. اعتماد به نفس، ۵۰ درصد مبارزه‌ی است که پیش‌رو دارید. هر وقت مدافعان توپ را در اختیار دارند، روی آن‌ها فشار بیاورید. مجبورشان کنید اشتباه کنند. اشتباه، روی اعتماد به نفس مدافعان تأثیر زیادی دارد. کاری کنید همیشه نگران تقابل با شما باشند.

رحم نکنید

وقتی با یک مدافع درگیر هستید، به‌طور مداوم به سمتش بدوید. هر زمان در چنین مسابقه‌ای هستیم، دوست ندارم آن بازی تمام شود. اگر می‌بینید که دارند خسته می‌شوند، از این موضوع اعتماد به نفس بیش‌تری بگیرید. معمولاً آن‌ها از کس دیگری کمک می‌گیرند. اجازه ندهید این مسئله شما را تسلیم کند و سعی کنید مدافعان را همیشه تنها نگه‌دارید. با این روش، راحت‌تر می‌توانید دوشان بزنید و از خستگی‌شان نهایت استفاده را ببرید. اگر مدافعی را مجبور کنید به عقب برود، فضای مناسب برای ایجاد خطر را به‌دست آورده‌اید.

ذهن‌تان را مقاوم کنید

هر زمان بازیکنی از تیم حریف حرفی به من می‌زند، عکس‌العملی نشان نمی‌دهم. اگر پاسخ بدهید، یعنی او توانسته در شما نفوذ کند. من چیزی نمی‌گویم و به آن‌ها اجازه می‌دهم حرف‌شان را بزنند. زمانی که توپ را گرفتیم، از آن‌ها رد می‌شوم تا نشان بدهم صحبت‌های‌شان تأثیری نداشته‌اند. اجازه می‌دهم کیفیت بازی‌ام به جای من صحبت کند. حالا مدافعان کمی بیش‌تر من را می‌زنند و گاهی اوقات سه بازیکن مستقیماً مأمور مهار من هستند. این اتفاق باعث شده مجبور به پیشرفت بیش‌تر شوم و حالا به‌دنبال راه‌حل‌های بیش‌تری برای سناریوهای مختلف هستم.

گرت بیل، هافبک ولزی باشگاه ریال مادرید مسیر ترقی در فوتبال جهان را به‌سرعت طی کرد. او با نمایشی درخشان در لباس تاتنهام، نظر تیم‌های بزرگ دنیا را به خود جلب کرد و در نهایت با مبلغ باورنکردنی حدوداً ۱۰۰ میلیون دلاری راهی ریال شد. انتقالی که او را به گران‌قیمت‌ترین فوتبالیست جهان تبدیل کرد. نمایش او در لباس مادرید نیز درخشان بوده است. بیل این روزها یکی از سریع‌ترین و بهترین بازیکنان دنیاست. او در باره‌ی این‌که چطور به مهره‌ی خطرناک برای سازمان دفاعی حریف تبدیل شوید، صحبت کرده است:

حریف‌تان را بشناسید

ما همیشه یک جلسه‌ی تیمی داریم تا با حریف آشنا شویم. نحوه‌ی بازی آن‌ها را می‌بینیم و نوع بازی تک تک بازیکنان‌شان را بررسی می‌کنیم. این کار کمک می‌کند تا نقاط ضعف حریف را بشناسید و راه‌های ضربه‌زنی به آن‌ها را پیدا کنید. من همیشه دوست دارم به نمایش‌های قبلی‌ام مقابل یک حریف فکر کنم. اگر نمایش خوبی داشته‌ام، با اعتماد به نفس وارد زمین می‌شوم. در غیر این صورت، فقط سعی می‌کنم بازی خودم را انجام دهم و به توانایی‌هایم اعتماد کنم.

انرژی خود را ذخیره کنید

اگر شنبه بعدازظهر بازی داشته باشیم، یک جلسه‌ی تمرینی سبک در جمعه برگزار می‌کنیم. این تمرین معمولی است و بیش از اندازه به خود فشار وارد نمی‌کنیم. تا جایی که ممکن است، باید قبل از بازی انرژی خود را ذخیره کنید. به محض این‌که از تمرین به خانه می‌روم، استراحت می‌کنم و بین ۹ تا ۱۰ ساعت می‌خوابم. بیش از اندازه به بازی فکر نمی‌کنم. در این حالت وقتی وارد زمین می‌شوم، کاملاً آماده و سرحالم.

بدن و ذهن‌تان را آماده کنید

روز مسابقه معمولاً یک ساعت و نیم قبل از شروع بازی به ورزشگاه می‌رسیم. در این مدت با بقیه بازیکنان حرف می‌زنیم و حرکات کششی انجام می‌دهیم. هرکس برنامه‌ی روتین خودش را دارد. من دوست دارم مطمئن شوم که آب بدنم کافی است تا در طول ۹۰ دقیقه انرژی‌ام را حفظ کنم. بازیکنان برای تحریک خودشان موسیقی گوش

وزارت تجارت و صنایع: قیمت تیل حدود ۲۰ درصد کاهش یافته است



اطلاعات روز: وزارت تجارت و صنایع از کاهش حدود ۲۰ درصدی قیمت تیل در کشور خبر داد؛ اما شماری از رانندگان در شهر کابل می‌گویند که کاهش قیمت تیل در بازارها بسیار اندک بوده است. به گفته‌ی آنان، زمانی که قیمت تیل در بازارهای جهان افزایش می‌یابد، تأثیرات مستقیم بر بازارهای کشور دارد؛ اما زمانی که نرخ کاهش می‌یابد، تأثیرات آن همواره اندک بوده‌اند. یک تن از رانندگان گفت که در حال حاضر قیمت هر لیتر تیل پترول در شهر کابل، صرف دوسه افغانی کاهش یافته است. به گفته‌ی او، قیمت هر لیتر تیل پترول قبلاً ۵۸ تا ۶۱ افغانی بود و حالا ۵۵ افغانی شده است؛ اما هنوز هم در شماری از تانک‌های تیل، تیل به قیمت سابق به فروش می‌رسد. افغانستان از لحاظ معادن تیل و نفت غنی است؛ اما در ۱۳ سال گذشته در قسمت استخراج آن توجه جدی نشده و هنوز تیل مورد نیاز از کشورهای خارج وارد می‌شود.

نی: طالبان با تهدید مانع فعالیت رسانه‌ها شده نمی‌توانند



در اولویت‌شان قرار دهند. او افزود که در سال‌های گذشته حدود ۴۷ خبرنگار کشته شده و این نشان‌دهنده‌ی چالش‌ها در برابر خبرنگاران است. خلوتگر امسال را خونین‌ترین سال برای خبرنگاران خواند و گفت که به تعداد ۷ خبرنگار کشته شده‌اند. به گفته‌ی او، در سال روان واقعات جرحات و خشونت در برابر خبرنگاران نیز نسبت به سال گذشته افزایش یافته‌اند. اما او افزود که نهادهای امنیتی اطمینان داده‌اند که در زمینه‌ی حفاظت خبرنگاران و رسانه‌ها بیش از هر زمانی تلاش می‌کنند. **کار روی یک مقرر** رییس اجرایی نی در نشست دیروز گفت که

اطلاعات روز: مسئولان دیده‌بان رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) در واکنش به اعلامیه‌ی اخیر طالبان اعلام کردند، طالبان با تهدید جلو فعالیت رسانه‌ها را گرفته نمی‌توانند. پس از حمله بر مرکز فرهنگی فرانسه هنگام اجرای یک نمایش تیاتر، طالبان با نشر اعلامیه‌ای گفتند که رسانه‌ها و نهادهای مدنی را به دلیل فعالیت‌های ضداسلامی هدف قرار می‌دهند. مجیب خلوتگر، رییس اجرایی نی دیروز در یک نشست خبری در کابل گفت که نشر اعلامیه‌ی اخیر طالبان نشان‌دهنده‌ی این است که آنان به معنای واقعی دهشت‌افکن و تروریست‌اند. او افزود که طالبان با نشر این اعلامیه در تلاش‌اند که بیش‌تر در رسانه‌ها ظاهر شوند و صحبت‌ها و نام‌شان بر سر زبان‌ها باشد. اما او این هدف طالبان را کور خواند و گفت که آنان باید بدانند، رسانه‌های افغانستان صدای واحد دارند و اگر گروه طالبان را تحریم کنند، دیگر نام‌شان در افغانستان نخواهد بود؛ «هیچ خبرنگار و هیچ تهدیدی نمی‌تواند کار خبرنگاری در افغانستان را متوقف سازد و دچار چالش کند». خلوتگر در بخش دیگر سخنانش به چالش‌های خبرنگاران در چند سال اخیر اشاره کرد و گفت که رییس‌جمهور و رییس اجرایی تأمین امنیت خبرنگاران را

برای فعال ساختن:
 در صفحه پیام 3G نوشته و به ۱۵۲ ارسال نمائید

با افغان بیسیم سرعت واقعی 3G را تجربه نمائید
 Experience the true speed 3.75G+

۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰

یا ۱۵۲

www.afghan-wireless.com

myawcc